

۲	آلایندہ های پژوهش / محمدرضا حشمتی
۳	تربیت بر مدار کنجکاوی / دکتر فرخ لقا رئیس دانا
۶	علم جیب / دکتر امید مهرابی
۹	رفت و آمد با خانواده مجازی / محمد دشتی
۱۴	ارزشیابی توصیفی؛ از نظر تا عمل / طاهره رستگار
۱۷	پله پله تا هدف / دکتر لیلا سلیقه دار
۲۰	پرسش با ادب / صدیقه باقری
۲۲	فرهنگ نامه حقوق / احمد مختاریان
۲۴	نمایشگاه دائمی / فرزانه نوراللهی
۲۶	کمی بیشتر از بازیگوشی / حدیثه اوتادی
۲۹	حمایت از سرزنش شده ها / ریحانه ایزدی
۳۲	معین ادب / جعفر ربانی
۳۴	وام هوشمند به معلمان / کتایون رجبی راد
۳۷	انتظار برای جایزه و قهرمانی / دکتر نیره شاه محمدی
۴۰	نوسازی تدریس / ریحانه سادات حسینی بهشتی
۴۲	کتاب خوانی به صرف نقد / علیرضا شیخ الاسلامی
۴۴	بازی و علوم / علیرضا رزاقی
۴۵	جدول / غلامحسین باغبان
۴۶	خنده تاریخی در موزه کانون / شیوا پروین - داود زرین گام
۴۸	خط کشی به نام تیمز / غلامرضا لشکر بلوکی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
علی اصغر جعفریان، فرحناز حدادی،
لیلی محمدحسین، منصور ملک عباسی و
حبیب یوسفزاده
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: مجید کاظمی
تصویرگر: سید میثم موسوی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام نگار: moallem@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۵
کد مشترکین: ۱۱۴
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱-۷۷۲۳۶۶۵۵-۶
شمارگان: ۳۲۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



قابل توجه نویسندگان و مترجمان

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بریک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی سی دی یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه ها) از متن استخراج شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شوند. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

آلایند های پژوهش

یا دانشی بر آن استوار است. یادگیری متضمن فکر کردن و حل مسئله است. **آیا این پژوهش نیست؟** تجربیات زندگی باید به اشخاص کمک کند تا به جای کسب اطلاعات، پژوهش مؤثر در امور را یاد بگیرند. مربی و معلم هم دیگر انتقال دهنده انبوهی از اطلاعات و دانش‌ها به ذهن افراد نیستند. معلم خوب کسی است که قدرت تفکر دانش‌آموزان را پرورش دهد، زمینه یادگیری را برای ایشان فراهم کند، چگونگی یاد گرفتن را به آن‌ها بیاموزد و...

آیا این فعالیت‌ها زمینه‌ساز پژوهش نیست؟

ما باید دائماً به دانش‌آموزانمان کمک کنیم آنچه را می‌آموزند، به مفاهیم جامع‌تری ربط دهند، به اصول اساسی دست یابند، از یادگیری لذت ببرند و نسبت به آن نگرشی مثبت پیدا کنند. **آیا**

این فعالیت‌ها زمینه‌ساز پژوهش نیست؟

به منظور تحقق این اهداف، دانش‌آموزان باید برای فکر کردن، بیان افکار خود، نظریه‌پردازی، همکاری‌های گروهی و داوری باورهای خود و دیگران فرصت بیابند. **آیا این فعالیت‌ها**

زمینه‌ساز پژوهش نیست؟

بدون تردید باید یادگیری مهارت‌های فکری و پژوهشی جانشین حفظ اطلاعات جزئی شود. اگر مطالبی بدون ارتباط با یکدیگر و به صورت اجزایی بی‌معنا با هدف کسب موفقیت‌های ظاهری و نیز کسب رتبه برای مدرسه و منطقه در جشنواره‌ها از دانش‌آموز خواسته شود و دانش‌آموز هم بدون داشتن دانش و مهارت لازم، گزارشی به مدرسه و منطقه تحویل دهد، این کار آیا نوع دیگری از حفظ طوطی‌وار نیست؟ آیا در این صورت یادگیری امری مکانیکی و بی‌هدف نیست و حتی نوعی تنبیه تلقی نمی‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا این نوع یادگیری مانع نمی‌شود که فکر کردن، استدلال درست، نظم داشتن، اخلاقی شدن، همدلی و هم‌احساسی با دیگران، مسائل زندگی را عاقلانه حل کردن، خودمدار نبودن، سعه صدر پیدا کردن و فرهیخته شدن مورد غفلت قرار گیرد و فراموش شود؟!

یکی از انگیزه‌های نگارش این یادداشت، گفت‌وگویی است که در ماه خرداد با چند معلم دوره متوسطه و در تیرماه با چند معلم دبستان درباره جشنواره‌های خوارزمی و جابرین حیان داشتم. هر دو گروه معلمان از روش اجرای این جشنواره‌ها گلایه داشتند. آن‌ها می‌گفتند در جشنواره خوارزمی شاهد سطحی برگزار شدن این برنامه از جهت اطلاع‌رسانی، ناآشنایی دانش‌آموزان با شیوه‌های پژوهش، شیوه‌های گردآوری اطلاعات، شیوه ارائه و متأسفانه کپی کردن مطالب (بدون داشتن ساختار مناسب) از شبکه اینترنت، هستیم. در جشنواره جابرین حیان هم، از نظر این همکاران، در فشار قرار گرفتن معلمان با توجه به محدودیت زمان آموزش برای ارائه کارها به منطقه و... را شاهدیم.

جدا از آنچه این همکاران می‌گفتند، من نیز خود به تجربه دریافته‌ام، متأسفانه با وجود اهمیتی که در ظاهر برای «پژوهش» و تأثیر آن در فرایند یادگیری یاددهی قائلیم، اما آن را اصلاً جدی تلقی نمی‌کنیم! این تناقضی بزرگ است در رفتار ما! شاید از خود بپرسید: «به راستی چگونه امکان دارد که چنین امری -پژوهش- برای جامعه آموزش و پرورش مهم باشد و در عین حال، در عمل، مورد بی‌توجهی قرار گیرد؟»

این واقعیت تأمل‌برانگیز است و البته صرفاً به تعلیم و تربیت نیز محدود نمی‌شود، بلکه به نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌های ذاتی انسان این است که غالباً نسبت به مسائل مهم و اساسی حیات خود بی‌توجه است. «آلودگی هوا» یک نمونه از این امور است. با اینکه همه به تأثیر نامطلوب آن در زندگی آگاهی داریم، اما آن را جدی نمی‌گیریم! مشکل آنجاست که تلقی و تصور صحیحی از آلودگی هوا نداریم. و به همین خاطر آن را به فراموشی می‌سپاریم. پژوهش هم همین‌گونه است!

اکنون سال‌هاست که تلقی متفکران از «یادگرفتن» و «یاددادن» تغییر کرده است و این دو فعالیت، دیگر انتقال مجموعه‌ای از مطالب به ذهن‌ها و به خاطر سپردن آن‌ها معنا نمی‌شوند. یادگیری واقعی هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد در جریان یادگیری فعال باشد و خود به تولید دانش دست بزند. **آیا این**

پژوهش نیست؟ یادگیری تنظیم مجدد مفاهیم و تجربه‌هاست.

آیا این پژوهش نیست؟ تفکر، به معنی سازمان‌دهی مجدد ذهنی، اساس هر نوع یادگیری است و رشد و گسترش هر مهارت

در خرداد

تربیت برمدار کنجکاوی

همگام با مفاد اسناد تحول نظام
تعلیم و تربیت رسمی و عمومی

دکتر فرخ لقارئیس دانا
متخصص تعلیم و تربیت

سر آغاز

اولین گام برای تبیین فلسفه تعلیم و تربیت و مبانی آن، معنا کردن سه مفهوم فلسفه، تربیت و مبانی است.

«فلسفه» به معنای ریشه فکری

و عقلانی مرتبط با چیستی،

چرایی و چگونگی هر پدیده‌ای

است. فلسفه انجام هر کار یعنی

آن کار چیست؟ مبانی آن کدام

است؟ چرا هست و چرا باید انجام

یا پی‌گیری یا به آن پرداخته

شود؟ اصولاً چرا باید به آن

موضوع فکر شود و اینکه چگونه

باید کار صورت گیرد، کدام روش

یا شیوه برای انجام آن بهینه‌تر

است؟ به عبارت دیگر، فلسفه

تلاش عقلانی انسان برای واکاوی

چیستی، چرایی و چگونگی امور

و پدیده‌هاست؛ تلاشی که بر

استدلال و بهره‌گیری از عقل،

منطق و برهان ناشی از خردورزی

مبتنی است. بنابر مفهوم فلسفه،

روشن است که «فلسفه تربیت

و تعلیم» یعنی چیستی، چرایی

و چگونگی امر تربیت و تعلیم.

یعنی ابتدا باید به‌طور دقیق درک

کنیم منظور از تربیت چیست؟

چرا به تعلیم و تربیت می‌پردازیم

و ضرورت‌های تربیت کردن

افراد جامعه چیست و بالاخره

آنکه شیوه‌های مناسب و بهینه

تعلیم و تربیت در شرایط متفاوت و

گوناگون کدام‌اند؟

در اسناد تحولی نظام رسمی و

عمومی، برای «تربیت» تعریف

جامع و کاملی به‌دست داده

شده است که هم آموزش و

هم پرورش را دربرمی‌گیرد.

درواقع، واژه «تربیت» جایگزین

آموزش و پرورش شده است. این

تعریف براساس آن اسناد عبارت

است از: «زمینه‌سازی تحول

اختیاری و آگاهانه آدمی».

واژه «تربیت» شامل تمام

ابعاد وجودی و همه جنبه‌های

فرایند کار تربیت است و

تمامی اجزا و عناصر مرتبط

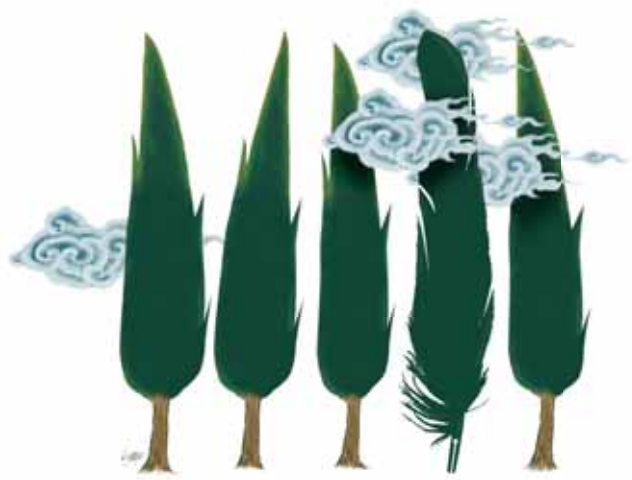
با این فرایند یعنی تعلیم،

تزکیه، تأدیب، تدریس و

مهارت‌آموزی را شامل

می‌شود. فرایند تربیت موجبات

شکل‌گیری هویت یادگیرندگان



هر معلم در درجهٔ اول باید فلسفهٔ معلمی خویش را بشناسد، یعنی بداند ماهیت کار معلمی چیست؟ معلم کیست؟ چرا معلمی لازم است و چرا او معلمی را برگزیده است؟ به چه کسانی باید یاد بدهد؟ چه باید یاد بدهد؟ چرا باید آن موضوعات و محتوا را یاد بدهد؟ چگونه باید یاد بدهد؟

یعنی متریبان را به صورتی یکپارچه فراهم می‌کند. البته فرایند تربیت مورد نظر در اسناد، فرایند مبتنی بر نظام معیار اسلامی است و هدف آن هدایت متریبان برای کسب ویژگی‌های لازم برای طی مراتبی ارزشی از زندگی پاک، منزّه و هدفمند در جهت تأمین رضایت الهی و نزدیکی هر چه بیشتر با خدای قادر متعال است. در سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران (آذرماه ۱۳۹۰، ص ۴۳۴) آمده است: «واژهٔ تربیت... نیاز به واژهٔ مکملی مانند تعلیم ندارد و مفهوم تربیت دربردارنده و جامع تمام اجزا و عناصر مرتبط با فرایند تربیت مانند تعلیم، تزکیه و تأدیب می‌باشد»، اگر چه تکرار واژهٔ «تعلیم» قبل از تربیت عادت دیرین ما بوده و هست و این عادت، حتی بر ذکر آن واژه در عنوان اصلی سند تحول نیز سایه انداخته است. در یک جمع‌بندی باید گفت، فلسفهٔ تربیت در جمهوری اسلامی ایران، تبیینی مدلل و تدوینی خردور از چیستی، چرایی و چگونگی امر تربیت است و بیانگر بنیان‌های اساسی و معتبر تعیین چیستی و

چرایی و چگونگی آن متناسب با سلسله مراتبی از نظام معیار ارزش‌های مقبول جامعهٔ اسلامی-ایرانی است.

تبیین فلسفهٔ تربیت اسلامی-ایرانی

فلسفهٔ تربیت اسلامی-ایرانی مورد نظر نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، با تبیین چیستی، چرایی و چگونگی زندگی، هدایتگر تربیت انسان است و اینکه اگر چه انسان آزاد است و برای گزینش اختیار دارد و تفکر و ارادهٔ او در انتخاب راه کمک اوست، اما فقط انتخاب راه درست مطابق با ارزش‌های مورد نظر و معیار اسلامی و مورد رضای خدای بزرگ است که می‌تواند او را به سر منزل مقصود برساند.

فلسفهٔ اسلامی می‌گوید انسان دارای فطرت است و این فطرت سرمایه‌ای است که خداوند در اختیار آدمی قرار داده است. فطرت، طبیعت انسان یعنی مجموعه‌ای از نیازها، تمایلات و انگیزه‌های او را مدیریت و زمینه‌های رشد و توسعه به سوی کمال را فراهم می‌کند. **این فلسفه به ما می‌گوید، فطرت انسانی اگر چه سرمایه است، اما در وجود انسان پنهان است و آنچه آن را آشکار می‌کند، تربیت است.** تربیت در جهت اینکه یادگیرنده بتواند از راه تفکر و تعقل فطرت وجودی خود را شکوفا سازد و رفتار و کردار خود را با کمک فطرت خویش در جهت تطابق با نظام معیار ارزش‌های اسلامی-ایرانی شکل بدهد و توسعه بخشد و نیازها، تمایلات و انگیزه‌هایش را در جهت اتخاذ راه‌های درست مدیریت کند.

فلسفهٔ تربیت اسلامی-ایرانی بر تصمیمات مرتبط با تهیه و تدوین برنامه‌های درسی، فرایند یاددهی-یادگیری، سنجش و ارزشیابی، پژوهش و بررسی و هر آنچه با زندگی تحصیلی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دانش‌آموز مرتبط است، اثر می‌گذارد و برای مدلل کردن اهمیت و ضرورت آن تصمیمات و چگونگی اتخاذ آن‌ها پاسخ‌های مناسب فراهم می‌کند.

این فلسفه به ما می‌گوید که **زندگی برای کمال جویی است و کمال در تعالی وجود است.** وجودی که از دو عنصر مادی و معنوی مرکب است. کمال در رشد و توسعهٔ توأمان مادی و معنوی وجود انسان تجلی پیدا می‌کند. کمال جویی باید پیوسته و مستمر باشد، اما باید به این نکته توجه کرد که «کمال‌یابی» یکباره میسر نمی‌شود. درجانی از کمال، در هر مرحله از یادگیری و هر برهه از زمان زندگی، هم مورد انتظار است و هم قابل دستیابی. به همین جهت است که گفته شده است **دستیابی به مرتبه‌ای از سلسله مراتب حیات طیبه بر حسب شرایط، امکانات، مقررات، بایسته‌ها و برنامه‌ها، هدف‌های تربیتی را شکل می‌دهند و هر گونه تعلیم، تدارک آموزش و تلاش در برهه‌ای از زمان، برای تحقق هدف‌های مورد نظر در آن زمان و مختص دانش‌آموزان مورد نظر برای آن نوع تربیت است.** لذا روشن است که مقصد و مرتبهٔ مورد نظر برای دانش‌آموز پیش‌دبستانی، دبستانی، متوسطه و حتی در پایه‌های متفاوت تحصیلی و نیز در موضوعات متنوع درسی، متفاوت است.

دستیابی به مرتبه‌ای از سلسله‌مراتب حیات طیبه بر حسب شرایط، امکانات، مقررات، بایسته‌ها و برنامه‌ها، هدف‌های تربیتی را شکل می‌دهند و هرگونه تعلیم، تدارک آموزش و تلاش در برهه‌ای از زمان، برای تحقق هدف‌های مورد نظر در آن زمان و مختص دانش‌آموزان مورد نظر برای آن نوع تربیت است

خویش را قوام بخشد و این مهم حاصل نمی‌آید مگر با درک عمیق فلسفه تربیت مورد نظر در نظام آموزشی که او نقش مهم اجرایی آن را برعهده گرفته است. نمودهایی از این فلسفه چنین است:

● یادگیری برای درست زندگی کردن است و هدف مهم و والای زندگی، کمال جویی است. کمال مراتبی دارد. یادگیری درست و شایسته، در واقع، طی مرتبه‌ای از مراتب ارزش‌مدار زندگی رو به تعالی است.

● نزدیک شدن به خداوند و جلب رضایت الهی هدف والایی است و تحقق آن موجب رضایت فردی از دو جهت مادی و معنوی است.

● یکی از راه‌های مهم درست زندگی کردن، کسب رضایت خلق خدا و بزرگداشت همه مخلوقات و همه

پدیده‌های هستی است برای تکریم وجود انسانی و حفظ کرامت دانش‌آموز.

● یادگیری نوعی فضیلت‌جویی و کمال‌طلبی، حقیقت‌جویی و واقعیت‌یابی و زیبایی‌گرایی و هنرپذیری است که همه از فطرت کنجکاو انسان نشئت می‌گیرد و تربیت زمینه‌های رشد و شکوفایی آن را فراهم می‌کند.

● فطرت، نیرویی درونی برای طی مسیر زندگی از تولد تا مرگ، در جهت نزدیکی به خداوند قادر متعال و انبار و سرمایه‌ای از توانایی‌ها، استعدادها و ظرفیت‌های وجودی است که باید به کمک مربیان و معلمان شایسته فرصت تجلی بیابد و به‌درستی به کار گرفته شود تا به کفایت لازم و بایسته برسد.

باید یاد بدهد؟ چه باید یاد بدهد؟ چرا باید آن موضوعات و محتوا را یاد بدهد؟ چگونه باید یاد بدهد؟ به‌علاوه، باید بداند که می‌تواند چگونه از درستی کار خود و درستی طی راه دانش‌آموزان خود برای یادگیری در جهت طی مرحله‌ای یا مرتبه‌ای از مراتب تعیین‌شده برای رشد و کمال جویی آگاه شود؟ چرا این آگاهی برای او و برای دانش‌آموزانش لازم است؟ چگونه می‌توان به این آگاهی رسید؟ چگونه باید از این آگاهی در جهت تغییر، اصلاح یا تحول در اتخاذ راه و روش‌ها بهره گرفت؟ به عبارت بسیار ساده، هر معلم باید بداند در کل چه کاره است و چرا؟ چه باید بکند؟ چه می‌کند؟ چگونه آن کار را انجام می‌دهد؟ و آیا در مسیر درست رفتار می‌کند و راه می‌پیماید؟ و در نهایت، آیا از انجام کار خود رضایت دارد؟ و آیا کوشش و تلاش او در رهنمونی سکان تربیت نونهالانی که به‌دست او سپرده شده‌اند، در جهت رضای خدا هست؟ و تلاش‌های او آیا به اندازه‌ای هست که باید؟ و آن قدر شایسته هست که باید؟ آیا خود او الگوی مجسم خوب و اسوه‌ای برای دانش‌آموزان است؟ یا باید قدری، کمی تا قسمتی در رفتار، گفتار و اعمال معلمی خویش تجدیدنظر کند، بیشتر مطالعه کند، دانش لازم را خود بیاموزد، بینش لازم را کسب کند، نگرش وسیع‌تر و مثبت‌تر و سازنده‌تری نسبت به «مر تربیت» پیدا کند، و تلاش خود را در مسیر کسب رضایت خدا و خلق خدا به سامان برساند. این کوشش‌ها همه به معنای «هویت‌یابی» کار معلمی است. هر معلم شایسته است که ابتدا هویت معلمی

آنچه در طی این مراتب اهمیت بسیار دارد، رعایت توالی و ارتباط طولی و عرضی مناسب محتویات آموزشی مراتب است، به‌نحوی که بتواند مجموعه وجودی یادگیرنده را در جمیع جهات لازم برای رشد و توسعه بهینه سوق دهد و در همه مراحل و همه سطوح او را در جهت طی موفق مرتبه‌ای از مراتب زندگی پاک و ارزشمند رهنمون باشد.

توجه داشته باشیم، ضمانت اجرای موفق چنین انتظاری در دو عنصر کلیدی نهفته است:

۱. برنامه درسی و کتاب‌ها، منابع و ابزارهای آموزشی؛
۲. معلم یا مربی و سایر هدایتگران فرایند یاددهی-یادگیری.

نتیجه اینکه تکلیف برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان کتاب‌های درسی و بسته‌های آموزشی در ارتباط با فلسفه تعلیم و تربیت روشن است، زیرا تا به آن فلسفه تسلط فکری نداشته باشند، نمی‌توانند به تهیه و تدارک برنامه‌های درسی مناسب و متناسب با یادگیرنده‌های خاص بپردازند. سخن اساسی در این مقاله با معلمان کلاس‌های درس و مدیران مدارس است که مسئولیت بزرگ اجرای برنامه‌های درسی را برعهده گرفته‌اند و در جهت ایفای نقش بزرگ و سازنده و مؤثر خویش پیوسته در تلاش‌اند.

آنچه تلاش‌های این بزرگواران را اثربخش می‌کند، در واقع، اشراف کامل به فلسفه تربیت و هدف غایی آن است. هر معلم در درجه اول باید فلسفه معلمی خویش را بشناسد، یعنی بداند ماهیت کار معلمی چیست؟ معلم کیست؟ چرا معلمی لازم است و چرا او معلمی را برگزیده است؟ به چه کسانی

* منابع
 ۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، آذرماه ۱۳۹۰، وزارت آموزش و پرورش.
 ۲. ملکی، حسن (۱۳۸۹). نقد و ارزیابی مبانی درسی ملی براساس شاخص‌های فطرت. فصل‌نامه مطالعات برنامه‌های درسی. شماره ۱۸. ص ۵۱-۵۰.

علم جیب

نگرش‌های رایج در مفهوم موفقیت مالی

دکتر امید مهرابی

مفهوم موفقیت مالی

مثل خیلی چیزهای دیگر، سواد مالی نیز از یک فلسفه برخوردار است. منظور من از فلسفه در این سلسله نوشتار، چیزی است که براساس آن رفتار خود را با دیگران مقایسه می‌کنیم. وقتی از مخاطبانم درباره موفقیت مالی می‌پرسم، بدون حتی یک استثنا، آن را معادل ثروت می‌دانند. یعنی کسی که در زمینه مالی موفق است، حتما ثروتمند است. اما وقتی درباره شاخص ثروت و واحد اندازه‌گیری آن می‌پرسم، جواب‌ها ناامیدکننده است. اجازه دهید از همین جا شروع کنیم. در واقع از این نقطه است که می‌توان به فلسفه افراد در مورد ثروت و نوع نگرش آن‌ها پی برد.

در مطالعاتی که در زمینه سواد مالی داشته‌ام به دو نوع نگرش و در نتیجه به دو شاخص متفاوت در

اندازه‌گیری میزان ثروت برخورد‌ام. نگرش اول، غالب و فراگیر است. بدون اینکه قصد اهانت به فرد یا گروهی را داشته باشم، مایلم نگرش طرفداران این گروه را نگرش فقرا بنامم. دومی را در تعداد بسیار کمی از افراد مشاهده کرده‌ام و در این نوشتار، آن را نگرش اغنیا خواهم نامید. این دو نگرش با یکدیگر تفاوت بنیادین و فلسفی دارند. در بسیاری مصادیق، این دو با یکدیگر قابل جمع نیستند و اساسا دو نگاه کاملا متفاوت هستند. اما از مطالعات در این باره، دو دستاورد بزرگ و حیرت‌آور به‌دست آمده است که می‌تواند برای معلمان عزیز کشور کلید تدوین طرح درس در زمینه سواد مالی باشد. قبل از بیان نکات شگفت‌آور، اجازه دهید کمی بیشتر در مورد ماهیت این دو نگرش بگویم.

ثروت از نگاه فقرا

رایج‌ترین واحد اندازه‌گیری ثروت در این نگرش، واحد پولی بود؛ ریال، دلار، یورو و مانند آن. در این مکتب برای یافتن میزان ثروت هر کس، کافی است تمام دارایی‌های وی را به یک واحد پولی مشخص تبدیل کنید. هر کس پول بیشتری داشته باشد، در زمینه مالی موفق‌تر است و بدین ترتیب می‌توان افراد را با یکدیگر مقایسه کرد. همچنین، هر کس حق‌الزحمه بیشتری بگیرد، ثروتمندتر است. بدین ترتیب، یک جراح از یک ناظر ساختمان و یک روزمزد ساختمانی ثروتمندتر است. آیا شما هم همین‌طور فکر می‌کنید؟ دانش‌آموزانتان چطور؟ خانواده‌ها و مخصوصا والدین آن‌ها چطور؟ ممکن است به شما برخورد کرده باشد که این نگرش را فقیرانه نامیدم. ممکن است با این نام موافق

نباشید. اما حتماً تأیید می‌کنید که این نگرش، نگرش غالب در میان مردم است. پرسشی که همه روزه ذهن طرفداران این نگرش را به خود مشغول می‌کند، آن است که چگونه می‌توان پول بیشتری به دست آورد؟

ثروت از نگاه اغنیا

واحد اندازه‌گیری در این نگرش، زمان است. منظور از زمان، زمانی است که بدون اینکه برای پول درآوردن کار کنید، بتوانید با کیفیت مطلوب از عهده هزینه‌های زندگی برآیید. فرض کنید شما ۱۰۰ تومان پول دارید و آن را به‌طور نقدی نزد خود نگه می‌دارید. همچنین، فرض کنید هزینه ماهانه شما برای داشتن یک زندگی با کیفیت مطلوب، ۵۰ تومان باشد. در این صورت، شما به مدت دو ماه ثروتمندید. حال اگر این ۱۰۰ تومان را در بنگاهی اقتصادی سرمایه‌گذاری کنید که ماهانه ۱۰ درصد سود نصیب شما کند، شما به مدت دو ماه و ۹ روز ثروتمندید، زیرا در انتهای ماه اول به پول شما ۱۰ تومان اضافه می‌شود و ۵۰ تومان کم می‌شود. پس در ابتدای ماه دوم، شما ۶۰ تومان پول دارید که در انتهای ماه دوم به ۶۶ تومان افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر، ۵۰ تومان آن را بابت هزینه‌های ماه دوم پرداخت خواهید کرد. ۱۶ تومان تقریباً ۹ روز از هزینه‌های شما را پوشش خواهد داد. پرسش طرفداران این نگرش این است که چگونه می‌توان بدون اینکه برای پول کار کرد، درآمدی بیش

از هزینه‌های زندگی داشت؟

دستاوردهای مطالعات سواد مالی

مهم‌ترین دستاورد این مطالعات بسیار حیرت‌آور بود؛ بهترین الگوهای موفقیت مالی برای طرفداران نگرش فقرا، کسانی هستند که طرفدار نگرش اغنیا هستند. ظاهراً چنین چیزی ممکن نیست، زیرا عقل حکم می‌کند که اگر فردی را ثروتمند می‌دانیم، مانند او باشیم و نکته حیرت‌آور دقیقاً همین است. بیشتر ما می‌خواهیم مثل کسانی باشیم که مثل ما فکر نمی‌کنند!

نکته حیرت‌آور دیگر این بود که هیچ یک از این دو گروه، جز نگرش مورد قبول خود، نگرش دیگری را ممکن نمی‌دانستند، چه برسد به اینکه بخواهند آن را قبول کنند. طرفداران نگرش فقرا تنها یک مفهوم برای ثروت قائل بودند و هر توضیح دیگری را سفسطه و عوام‌فریبی قلمداد می‌کردند. متقابلاً، طرفداران نگرش اغنیا تنها مفهوم مورد تأیید خود را برای ثروت می‌پذیرفتند و هر تعریف دیگری را خودفریبی و فرار رو به جلو می‌دانستند.

تفاوت‌های بنیادین دو نگرش

رقابت

شاید ملموس‌ترین و اولین تفاوت این دو نگاه در رقابت است. در نگاه اول، رقابت رکن اساسی در زندگی است. شما باید پول بیشتری داشته باشید تا ثروتمندتر باشید. بنابراین، همه در حال نگاه کردن به

اطرافیان خود هستند تا از آن‌ها جا نمانند. در این نگاه، کسی که پراید دارد از کسی که هیوندایی شاسی بلند دارد، فقیرتر است، بنابراین تلاش می‌کند خود را به الگوی مورد نظر خود برساند. نکته جالب آن است که در این نگاه، جز یک نفر، و به بیان دقیق‌تر جز چند نفر اول، بقیه همیشه بازنده‌اند و لذت موفقیت را نخواهند چشید، زیرا ثروت شما هر چه باشد، بالاخره کسی پیدا می‌شود که ثروتمندتر از شما باشد. در این نگاه، شما حتماً و همیشه باید در حال تلاش برای کسب ثروت بیشتر باشید،

زیرا در غیر این صورت از دیگران جا می‌مانید و رتبه‌تان در ثروتمندی تنزل خواهد یافت. در توضیح این حالت، همیشه کوه‌نوردی در ذهنم مجسم می‌شود که در مسیر خود برای رسیدن به قله، بیش از آنکه توجه او به هدف، یعنی قله باشد، درستی مسیر خود را صرفاً با دیگران محک می‌زند و هر بار که از کسی سبقت می‌گیرد، خوشحال می‌شود؛ اما این شادی بسیار زودگذر است، زیرا بلافاصله در امتداد نگاهش فرد دیگری را می‌بیند که از او جلو تر است و این داستان همچنان ادامه دارد. در مسیر کسب ثروت نیز زندگی این‌گونه افراد همیشه با ناکامی پایان خواهد یافت، زیرا آن‌ها هرگز به انتهای مسیر نمی‌رسند.

در نگاه دوم، هر کس با خودش مقایسه می‌شود، آن هم نه با گذشته‌اش، بلکه با وضع موجود و حالش. در این نگاه، اساساً میزان پول مهم نیست، بلکه نسبت درآمد و هزینه در هر لحظه

از زمان اصالت دارد. به همین دلیل، موفقیت مالی بیش از هر عامل دیگری به اراده و عملکرد فرد بستگی دارد و دیگران چندان مهم نیستند. باز هم در خیال می‌توانید فردی را تصور کنید که در مسیر حرکت به سمت قله است، اما معیار موفقیت برای او آن است که به وقت ضرورت بتواند ادامه مسیر دهد و برای این کار کافی است سرعت و انرژی خود را متعادل کند. حدس می‌زنم شما هم موافقید که این فرد از طبیعت کوهستان بیش از فرد قبلی لذت ببرد.

اهمیت عمر

در نگاه اول، عمر و پول قابل تبدیل هستند. مثلاً برای کسب ۵۰۰ هزار تومان، یک کارگر ساده روزمزد باید ۱۰ روز خود را صرف کند و یک معلم خصوصی کنکور ۱۰ ساعت از عمر خود را بدهد و جراح متخصص با ۱۰ دقیقه می‌تواند همین مقدار درآمد داشته باشد. در این نگرش، عملکرد جراح از معلم و معلم از کارگر بهتر بوده است. در نگاه دوم، عملکرد جراح صرفاً با میزان درآمد ارزیابی نمی‌شود. شخصاً با یکی از پزشکان محترم و معتبر کشور در این زمینه صحبت کرده‌ام. از او پرسیدم شما که در هر ساعت نزدیک به ۴۰۰ هزار تومان (اوایل سال ۹۳) بابت حق ویزیت بیماران درآمد دارید، چرا تا دیروقت مشغول به کار هستید و آیا فرصت می‌کنید پول خود را خرج کنید؟ پاسخ داد دو فرزندم در خارج از کشور مشغول تحصیل هستند، به علاوه، باید وام خانه‌ای را که در یکی از



را می‌کنند.

عمر با پول قابل مقایسه نیست. برای درک بهتر این مطلب کافی است همان پزشک را در حال احتضار تصور کنید. حدس می‌زنید حاضر باشد چه میزان از ثروت خود را بپردازد تا مدتی دیگر هر چند کوتاه زندگی کند؟ در نگاه دوم، تنها چیزهای همسان با یکدیگر قابل مقایسه هستند. در بیان ساده‌ای از مفهوم ترازنامه، وقتی یک بنگاه اقتصادی در سلامت اقتصادی به سر می‌برد، ستون بدهی‌ها و دارایی‌هایش در تعادل با یکدیگر هستند. یعنی اگر چیزی از دارایی‌ها کاسته شد، به همان میزان به دارایی‌ها افزوده شده باشد. در مثالی که ذکر شد، اگرچه درآمد پزشک زبردست از کارگر روزمزد به مراتب بیشتر است، اما ترازنامه هر دو نفر نامتوازن است.

سنخیت با آموزه‌های آسمانی

آن‌ها که به آموزه‌های آسمانی معتقدند، می‌توانند در مورد میزان همسویی، این دو نگرش را با آموزه‌های آسمانی ارزیابی کنند. واضح است که نگاه دوم با آن‌ها نزدیک‌تر و همنواتر است. در نوشتار پیشین، تأثیر دین بر نگرش اقتصادی فقرا و اغنیا را در چند مطالعه در میان ادیان گوناگون گزارش کردم. علاوه بر آن، به موضوع دیگری برخوردیم؛ بین ثروت‌داری و ثروت‌دراری، تفاوت اساسی وجود دارد. دین نه‌تنها هرگز با ثروت‌دراری مخالفت نکرده، بلکه شدیداً و قویاً آن را توصیه کرده است. مشکل از اینجا آغاز می‌شود که

کشورهای خارجی به اقساط خریداری کرده‌ام بپردازم و می‌دانی که همه این‌ها باید به دلار پرداخت شود. بنابراین مجبورم. جالب اینجاست که اگر همین سؤال را از آن کارگر زحمتکش روزمزد هم بپرسید، پاسخی مشابه خواهید شنید. نکته جالب در مورد آن جراح این است که به‌دلیل اینکه باید اقساط آن خانه و هزینه تحصیل فرزندانش را بپردازد، اصولاً فرصتی ندارد در آن خانه زندگی کند یا به فرزندان سرزند. او در حال افزودن ثروت خود است، بدون آنکه بهره‌ای متناسب با وقت و عمری که برای کسب ثروت صرف می‌کند، از آن ببرد. چرا این کار را می‌کند؟ پاسخش تکراری بود؛ باید این کار را بکنند، چون همه این کار

این دو واژه به‌جای یکدیگر استفاده می‌شوند و ثروت‌داری با ثروت‌دراری مترادف شده است.

در جلسه نخست کارگاه‌های آموزش سواد مالی، از مخاطبان می‌خواهم یک امام (معصوم) فقیر معرفی کنند و جایزه بگیرند. حتی با تخفیف، به نزدیکان معصومین (ع) هم رضایت می‌دهم. مگر می‌شود کسی کریم اهل بیت باشد و سفره اطعامش سراسر کوچه را فرا بگیرد، ولی فقیر باشد؟ ائمه و همه بزرگان دیگر، ثروت‌آفرینان بزرگی بوده و هستند. آنچه در ادیان مذمت شده، نحوه استفاده از ثروت است. شما مختارید ثروت خود را صرف آفتاب گرفتن در مدرن‌ترین و گران‌قیمت‌ترین سواحل دنیا کنید یا آن را وقف نیازمندان یا بنا کردن مدرسه و مرکز پژوهش کنید. ادیان، دومی را توصیه کرده‌اند. دستاورد آخری که در این نوشتار تقدیم خوانندگان عزیز خواهم کرد، به نحوه نگرش ثروت‌آفرینان بزرگ به ثروت مربوط است. بارها از ثروت‌آفرینان بزرگ ایرانی و خارجی خوانده یا شنیده‌ام که گفته‌اند پول اگر از ظرف سرریز شود، فسادآور است. باید برای مازاد آن فکر کرد.

تناقض

ممکن است با خود بگویید همه این‌ها رویاست، زیرا به هر حال همه ما باید برای کسب درآمد عمر خود را بفروشیم. یا ممکن است بپرسید پس چرا خیلی از ثروتمندان از راه‌های نامشروع ثروتمند شده‌اند؟ پاسخ چندان پیچیده نیست؛ نخست آنکه فلسفه سواد مالی نیز مانند مفهوم

بی‌نهایت، دو حالت نظری و فیزیکی دارد. بی‌نهایت در نظر دست‌نیافتنی است، اما در عمل گاهی دست‌یافتنی می‌شود، مانند نقطه کانونی آینه‌ها یا راندمان ماشین‌های مکانیکی. نگرش دوم به پول، هدف نیست، بلکه یک مسیر است و اگر در این مسیر قرار بگیریم، موفقیت تضمین شده است. حتماً مانند دنیای ماشین‌ها باید برای قرار گرفتن در مسیر هزینه و عمر خود را با پول عوض کنیم. اما اگر آگاهانه این کار را انجام دهیم، بالاخره روزی خواهد رسید که از مسیر حرکت به سمت قله لذت خواهیم برد. حداقل از آن زمان به بعد عمرمان را به پول نخواهیم فروخت.

سخن آخر

شاید با پول نتوان خوشبخت شد، اما بدون آن هم نمی‌توان خوشبخت شد. اگر پول نداشته باشیم، نمی‌توانیم به زیارت خانه خدا و اماکن متبرک دیگر برویم. نمی‌توانیم کفاره روزه‌های نگرفته‌مان را بپردازیم. نمی‌توانیم به سفر برویم، در حالی که سفر به‌دلیل برکات فوق‌العاده‌اش بسیار توصیه شده است. نمی‌توانیم فرزندانمان را خودمان تربیت کنیم، در حالی که تربیت فرزند از اصلی‌ترین وظایفمان به‌عنوان پدر و مادر محسوب می‌شود. نمی‌توانیم وقت زیادی را با خانواده بگذاریم و ناچاریم تنها چند دقیقه را با همسر و فرزندان خود بگذرانیم. البته همه این‌ها به یک شرط خوب و درست است؛ به شرط آنکه عمر خود را با پول عوض نکنیم!

رفت و آمد با خانواده مجازی

آسیب‌ها و فرصت‌هایی که
شبکه‌ها ایجاد می‌کنند

گزارشگر: محمد دشتی
عکاس: رضا بهرامی

هشتمین همایش سالانه دفتر همکاری‌های حوزه و وزارت آموزش و پرورش با عنوان «تربیت اسلامی و فضای مجازی، چالش‌ها و راهکارها»، با هدف بررسی مسائل مرتبط با تربیت اسلامی و فضای مجازی، در روزهای ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت در مجتمع فرهنگی یاوران حضرت مهدی (عج) جمکران برگزار شد. آنچه می‌خوانید گزارشی کوتاه و اهم مطالب طرح شده در این همایش دو روزه است.

دنیای مجازی، ظرفیت عظیمی که باید درست استفاده شود

آیت‌الله حسینی بوشهری، مدیر حوزه‌های علمیه

شرط تأثیرگذاری بیشتر طلاب و مربیان، عامل بودن به گفته‌ها و نکته‌هایی است که به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند. اینترنت و فضای مجازی، فضایی بدیع و هیجان‌انگیز است که انواع و اقسام اطلاعات را در اختیار ما قرار می‌دهد.

این حجم عظیم از امکانات فضای مجازی، و ظرفیتی که در اختیار کاربران قرار می‌دهد، افراد بسیاری را به سمت خود می‌کشد. بنابراین، لازم است در این عرصه توجه جدی و کاملی به این حوزه بشود. باید از این فرصت‌های مهم برای ترویج مبانی دینی و الهی و مقابله با تهاجمات دشمن استفاده کنیم.



دنیای مجازی ظرفیتی است که باید برای بهره‌گیری از آن برنامه‌ریزی کنیم

دکتر علی اصغر فانی، وزیر آموزش و پرورش

استفاده از فضای مجازی به عنوان یک فرصت در عرصه تعلیم و تربیت ضروری است و همکاری حوزه و آموزش و پرورش در این باره از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. باید برای تحقق کامل این همکاری، راهکارهای عملی تبیین شود. ما با همه ظرفیت و توانی که داریم، آماده‌ایم در این مسیر گام برداریم. امروزه استفاده از امکانات دنیای مجازی ظرفیتی است که باید برای بهره‌گیری از آن برنامه‌ریزی و اقدام کنیم. خوشبختانه در اسناد تحولی



دکتر فانی:

استفاده از

فضای مجازی

به عنوان یک

فرصت در عرصه

تعلیم و تربیت

ضروری است و

همکاری حوزه و

آموزش و پرورش

در این باره

از اهمیت

بسیار بالایی

برخوردار است

تعلیم و تربیت در آوریم. در حال حاضر، به حسب تصمیمی که گرفته‌ایم، پنجره‌های مدارس ما به سوی محیط مجازی گشوده شده است. سؤالاتی هم در این خصوص وجود دارد که باید به آن‌ها پاسخ دهیم.

آیا همه مناظر پشت این پنجره مطلوب ماست؟ آیا آنچه در حال حاضر در آنجا طبخ و طبخی می‌شود، غذای مناسبی برای فرزندان ماست؟ آیا همه محتوای این محیط را تأیید می‌کنیم و آن را برای دانش‌آموزان مناسب می‌دانیم؟ همه این سؤالات، اساسی هستند، اما از آن اساسی‌تر این است که آیا گردانندگان این مراکز و برنامه‌ریزان این فضاها با فلسفه تعلیم و تربیت ما و یا فلسفه اسلامی تعلیم و تربیت همراهی و هم‌سوئی دارند؟

سؤال مهم‌تر و اساسی‌تر از این هم مطرح است و آن اینکه آیا اساساً می‌توان در محیط وب تربیت را عملیاتی کرد یا نه؟ و آیا این محیط فقط مناسب یاددهی - یادگیری است؟ محیط مجازی با کدام یک از این اهداف و ماهیت‌ها سازگار است؟ آیا کسانی که مدرسه هوشمند را توصیه می‌کنند، اعتقاد دارند که در این محیط‌های هوشمند تربیت اتفاق می‌افتد، یا اینکه منظور آنان از تربیت همان تسهیل آموزش است؟

به قول مرحوم علامه عبدالحسین شرف‌الدین، هدایت از همان‌جا منتشر می‌شود که ضلالت از آنجا منتشر شده است. حالا اگر ما این فضاها را کانون ضلالت بدانیم، هدایت را چگونه می‌خواهیم از این محیط‌ها منتشر کنیم. ابزارها و امکانات جست‌وجو در این محیط که هر چیزی را به راحتی در اختیار کاربر قرار می‌دهد، ممکن است چه بر سر دانش‌آموز ما که در دوران غلیان احساسات و هیجانات است، بیاورد؟

دبیرخانه همایش درباره موضوع همایش سؤالاتی را برای صاحب‌نظران مطرح و آن‌ها را در کتاب همایش درج کرده بود. یکی از سؤالات محوری و پاسخ چند تن از صاحب‌نظران این حوزه را در اینجا آورده‌ایم!

رسانه‌های نوین، نظیر ماهواره‌ها، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، تلفن همراه و دیگر فناوری‌های نوین را در فرایند تربیت اسلامی دانش‌آموزان فرصت تلقی می‌کنید یا تهدید؟

آموزش و پرورش هم در این خصوص توجه تام و تمام صورت گرفته است. امیدواریم با جاری شدن برنامه درسی ملی و بخصوص در عملیاتی‌شدن رویکردهایی مانند متنوع کردن فرصت‌های یادگیری - یاددهی، بتوانیم از ظرفیتی که در دنیای مجازی وجود دارد، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، استفاده لازم را ببریم.

فضای مجازی در خدمت متنوع‌سازی محیط‌های یادگیری - یاددهی

حجت‌الاسلام والمسلمین

دکتر محمدیان

معاون وزیر و رئیس سازمان

پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزشی



خوشبختانه در آموزش و پرورش نسبت به موضوع فناوری‌های نوین نگاه مثبت وجود دارد. هر چند که در به کارگیری و نسبت به نحوه استفاده از این امکانات دغدغه خاطر داریم.

این نگاه مثبت از چندین سال قبل وجود داشته و سند آن هم با عنوان سند «فاوا» در آموزش و پرورش تولید شده است. در سند تحول بنیادین هم ردیای سند فاوا به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، در برنامه درسی ملی هم رویکردهایی دیده می‌شود که ناظر به همین نوع نگاه است.

هدف ما در برنامه درسی ملی و در رویکردهای جدید این است که بتوانیم رسانه‌های آموزشی را متنوع و محیط‌های یادگیری را هم متحول کنیم. اما این متنوع کردن رسانه آموزشی و متحول کردن محیط‌های یاددهی - یادگیری برای دستیابی به شایستگی‌های پایه است که برای رسیدن به آن‌ها به فرصت تحول، فرصت دانش‌اندوزی، فرصت علم‌آموزی، فرصت عمل کردن و فرصت تهذیب نیاز است.

با چنین نگاهی، یکی از رویکردهای برنامه درسی ملی، استفاده از محتواهای الکترونیکی است. البته باید بگویم، منظور ما از محتواهای الکترونیکی، صرفاً کتابخانه‌های الکترونیکی نیست. در تعریف ما محیط مجازی چیزی فراتر و گسترده‌تر از این است و همه بسترهای آموزش الکترونیک و از جمله فضاهایی مانند وب و اینترنت و محیط‌های منشعب از آن را هم دربرمی‌گیرد.

محیط وب محیطی است که امروز بچه‌های ما را به سوی خود می‌کشاند و آن‌ها هم واقعاً دارند در این فضا حضور و بروز پیدا می‌کنند. حالا مسئله این است که ما چگونه باید این محیط را به خدمت نظام



دکتر محمدیان: در تعریف ما محیط مجازی همه بسترهای آموزش الکترونیک و از جمله فضاهایی مانند وب و اینترنت و محیط‌های منشعب از آن را هم دربرمی‌گیرد





دکتر خسرو باقری
عضو هیئت علمی دانشکده
علوم تربیتی و روان‌شناسی
دانشگاه تهران

این ابزارها و فضای مجازی، چون شمشیر دودم هستند که از هر دو طرف می‌برد. بنابراین تهدید یا فرصت بودن آن به نوع استفاده ما بستگی دارد. فضای مجازی، همان‌قدر که تهدیدهایش زیاد است، فرصت‌هایش نیز زیاد است. یعنی بهشت و جهنم در این امر تعبیه شده است و نمی‌توانیم بگوییم سهم کدام‌یک بیشتر است. به نظر من شاید مساوی هم باشد. بنابراین، چگونه حرکت کردن و چگونه استفاده کردن از این شمشیر مهم است نه میزان تهدیدها یا فرصت‌های آن.



دکتر حمید ضیائی‌پرور
مدرس دانشگاه و پژوهشگر
در حوزه فضای مجازی و
فناوری اطلاعات

این نوع رسانه‌ها مثل چاقوی دولبه هستند. یعنی هم می‌توانند اثرات تخریبی و هم اثرات مثبت آموزشی داشته باشند. شما می‌توانید از یک شبکه ماهواره‌ای به منظور انتقال تعلیم اسلامی به مردم استفاده کنید و پیام اسلام و انقلاب اسلامی را به مردم سراسر دنیا منتقل کنید یا از همین ماهواره برای ترویج فساد استفاده کنید. دیگر رسانه‌های نوین مانند اینترنت، تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی نیز چنین وضعیتی دارند. در فرایند تربیت اسلامی دانش‌آموزان نیز این رسانه‌های جدید می‌توانند کارکرد دوگانه داشته باشند. اگر به درستی از ظرفیت‌های رسانه‌ها استفاده شود، می‌توان نقش مؤثر آن‌ها را در آموزش و تربیت دانش‌آموزان شاهد بود. اما اگر محتوای کافی و برنامه‌ریزی هوشمندانه برای استفاده از رسانه‌های جدید انجام نشود، این رسانه‌ها می‌توانند به بزرگ‌ترین تهدید برای جامعه و نسل جوان و به‌ویژه دانش‌آموزان تبدیل شوند.



دکتر حمیدرضا کفاش
معاون پرورشی وزارت
آموزش و پرورش
من این فناوری‌ها را یک
فرصت می‌بینم؛ فرصتی که
اگر از آن استفاده نکنیم، به تهدید تبدیل می‌شود.



دکتر صادق زاده:
فضای مجازی
وجود دارد و این
فضا هم تهدید
دارد و هم فرصت.
البته این وضعیت
تنها به ما و
جامعه اسلامی
مربوط نیست. در
جوامع غربی هم
این تهدیدها و
فرصت‌ها هست
و برای آن‌ها
برنامه‌ریزی
و هدفگذاری
می‌شود



در صورت استفاده صحیح هم به‌طور قطع فرصتی طلایی خواهند بود. فناوری و پدیده‌های اجتماعی نوین در دنیای در حال تغییر دائما رویکردهای جدیدی را به منصه ظهور می‌رسانند که باید با آمادگی و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم با آن‌ها همراه شد. البته آموزش و پرورش در میان دیگر دستگاه‌ها وظیفه متفاوت و خاص‌تری دارد و آن هم حرکت در مسیر توسعه سواد رسانه‌ای است. سواد رسانه‌ای همان قدرت تحلیل و نقادی است که باید گفت عموماً بالاتر از سطح سواد سواد است که در آموزش و پرورش ارائه می‌شود. فضای مجازی فرصت است و به جای مقابله با آن در حوزه فرهنگ، باید سطح سواد و ذائقه مخاطبان ارتقا پیدا کند، به گونه‌ای که مخاطب هر چیزی را مصرف نکند. نسبت به کارهای سخیف مقاوم باشد و از کارهای فاخر استقبال کند. کناره‌گیری کردن؛ ترس از این فضا، برخورد انفعالی و مانع شدن، اصلاً جواب نخواهد داد.



دکتر مسعود کوثری
عضو هیئت علمی گروه
ارتباطات دانشکده علوم
اجتماعی دانشگاه تهران

این رسانه‌ها در حال حاضر اختراعات بشر هستند و دنیای نوینی را پدید آورده‌اند؛ اختراعاتی که برای تهدید جامعه یا ارزش‌های فرهنگی و دینی کشف نشده‌اند. با این حال، این رسانه‌ها «اثر جانبی» خاصی هم دارند که باید به آن‌ها توجه کرد. برخی شاید بگویند هیچ چیز عوض نشده است و فقط رسانه‌های جدیدی پیدا شده‌اند، ولی این پاک کردن صورت مسئله است. با توجه به اینکه در ذهن جوان امروزی درک از زندگی، ثواب، گناه و آخرت هم تغییر کرده است، شیوه‌های مواجهه با آن‌ها هم ضرورتاً باید تغییر کند.



حجت‌الاسلام والمسلمین
مجتبی ملکی
دبیر علمی همایش تربیت
اسلامی و فضای مجازی؛
راهکارها و چالش‌ها

در این زمینه ما نمی‌توانیم مطلق‌انگاری کنیم، اگر برای این ابزارها و وسایل ارتباطی برنامه داشته باشیم، به‌طور طبیعی این‌ها فرصت هستند، اما اگر برنامه نداشته باشیم، تهدید خواهند بود. نوآوری‌های بشری زائیده فکر بشرند که خداوند

دکتر علیرضا رحیمی
مدرس دانشگاه و پژوهشگر
در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی



در این مورد باید به جای اینکه به فکر شسته رفته کردن فرایند پیام‌رسانی از سوی رسانه‌هایی که نام بردید باشیم، به دنبال واکنش‌ها و پیوندها باشیم. باید بچه‌هایمان را بیمه کنیم و در آن‌ها توانایی فهم، نقد و تصمیم‌گیری (آنچه در نظریه تربیت عقلانی بصیرت‌گرا مورد نظر است) ایجاد کنیم تا خود به انتخاب‌های صحیح دست بزنند. رسانه‌های جدید به چاقوهایی می‌مانند که در آشپزخانه‌های همه خانه‌ها وجود دارند. این چاقو برای کودک نادان بسیار خطرناک و برای فرد دانا ابزاری برای استفاده بجا، درست و عقلانی است.

بدین ترتیب، اعتقاد من این است که رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های جدید، در تناسب با پیام‌گیرندگان می‌توانند خطرناک و چونان تهدید قلمداد شوند، یا به عکس، ابزارهایی برای زندگی، آن هم زندگی پاک (حیات طیبه) در عصر نوین به‌شمار آیند. این ربطی به رسانه‌ها ندارد، بلکه به اقدامات تربیتی مربیان مربوط است.

**توسعه و ترویج سواد رسانه‌ای
پسندیده و لازم است، اما متولی آن
تنها آموزش و پرورش نیست!**

دکتر سیدجواد حسینی
مدیرکل آموزش و پرورش
استان خراسان رضوی



آقای مایکل تودار، جامعه‌شناس متخصص در حوزه توسعه، مطالعاتی انجام داده است، از جمله دلایل رسیدن به توسعه یا بازماندن از آن و آن را در ۹۰ کشور مطالعه کرده است. او خواسته است بداند چرا برخی کشورهای توسعه‌یافته نتوانسته‌اند مسیر توسعه همه‌جانبه را طی کنند؟

اتفاقاً او به نتایجی دست یافت که به گونه‌ای تأیید می‌کند یکی از دلایل توسعه نیافتن، سپردن مقدمات توسعه به دستگاه‌ها و نهادهایی است که اساساً آمادگی، توان و ظرفیت لازم را برای آن ندارند؛ همان اتفاقی که در کشور ما و به گونه‌ای در مورد انتظاراتی که از آموزش و پرورش وجود دارد، صورت گرفته و به قول شما با وجود همه تلاش‌ها و نیت‌های

تبارک و تعالی در اختیار او قرار داده است. این نوآوری‌ها می‌توانند در جهت اهداف صحیح استفاده شوند، به شرطی که برای آن‌ها برنامه داشته باشیم و آن‌ها را بشناسیم، ظرفیت‌هایشان را بدانیم و با کار و تلاش مضاعف، بتوانیم از آن‌ها برای تحقق اهداف اسلامی استفاده کنیم.

دکتر مجید قدمی
رئیس سازمان آموزش و پرورش
استثنایی و دبیر همایش
تربیت اسلامی و فضای
مجازی؛ راهکارها و چالش‌ها



من هر دو جنبه را می‌بینم، هم فرصت و هم تهدید. در تربیت اسلامی می‌گوییم باید بتوانیم افراد را در فضایی قرار دهیم که با خدا آشنا شوند، او را انتخاب و به دستوراتش عمل کنند. یعنی مسلط باشند. شناخت، انتخاب و عمل سه رکن تربیت اسلامی هستند. اگر خوب دقت کنیم که بچه‌ها با مسئله روبه‌رو شوند، فکر کنند و روش‌های فکر کردن را یاد بگیرند، این فضا قطعاً برای آن‌ها فرصت خواهد بود.

دکتر سیدمه‌دی سجادی
عضو هیئت علمی دانشکده
علوم انسانی دانشگاه
تربیت مدرس



چرا گمان می‌کنیم فضای مجازی همه‌اش چالش است و فرصت نیست؟ در هر چالشی نوعی فرصت هم وجود دارد. ممکن است کسی بگوید این محیط کنجکاوی دانش‌آموز را تحریک می‌کند و او را به فضاهای ناامن می‌کشاند. بله این هم هست و باید مراقب بود. ولی باید توجه داشته باشیم که فناوری اطلاعات فرصتی را هم به دانش‌آموز می‌دهد که برود و کنجکاوی کند، جست‌وجو کند، تحقیق و کشف کند، به همه‌جا سرک بکشد و مسائل ناشناخته را بشناسد. همین سرک کشیدن‌ها نوعی فرصت است نه چالش!

کسانی که به جای «رسانه تربیتی» به «تربیت رسانه‌ای» معتقدند، می‌گویند: باید آدم‌ها را درست کرد. گناه از ماست که بلد نیستیم آدم‌ها را تربیت کنیم. درست تربیت نمی‌شویم، اما از رسانه بد تعریف می‌کنیم. آن چیزی که بد است، ماییم نه رسانه. اگر فرزندانمان را درست و با کفایت تربیت کنیم، از همه این ابزارها به‌عنوان فرصت استفاده خواهند کرد.

دکتر فانی:
**امیدواریم با
جاری شدن
برنامه درسی ملی
و بخصوص در
عملیاتی شدن
رویکردهایی
مانند متنوع کردن
فرصت‌های
یادگیری -
یاددهی، بتوانیم
از ظرفیتی
که در دنیای
مجازی وجود
دارد، مبتنی
بر آموزه‌های
اسلامی استفاده
لازم را ببریم**





دکتر محمدیان:
آیا کسانی که
مدرسه هوشمند
را توصیه می کنند،
اعتقاد دارند که
در این محیط های
هوشمند تربیت
اتفاق می افتد، یا
اینکه منظور آنان
از تربیت همان
تسهیل آموزش
است



کودک و نوجوان رویکرد تربیتی مناسبی باشد که بدان اشاره خواهیم کرد.

۲. رویکرد پردازش فضای مجازی سالم:

در این رویکرد، آسیب های دنیای مجازی مدنظر است، بدون اینکه در کل این دنیا را ترک کنیم و کنار بگذاریم، باید بتوانیم به سمتی برویم که فضای مجازی سالمی ایجاد کنیم. این کاری است که در سایت های اسلامی و سایتی مثل سایت رشد اتفاق می افتد. در واقع فضای مجازی آن کنترل شده و به نوعی پاک است. در این رویکرد، نگاه فقط نفی همه چیز نیست، بلکه اگر چیزی نفی می شود، جایگزین آن هم ارائه می شود.

۳. رویکرد آماده سازی کاربران برای ورود

معقول به فضای مجازی: تفاوت این رویکرد با دو رویکرد قبلی در این است که این رویکرد به جای تأکید بر شرایط و فضای مجازی، بر مخاطب و کاربر تأکید می کند. تفاوتی که می تواند مهم و قابل توجه باشد و آن را به عنوان رویکردی مؤثر معرفی کند. در این رویکرد، به یک معنی ما به جای رسانه تربیتی، «تربیت رسانه ای» را مدنظر قرار می دهیم. در انتخاب راهبرد تربیتی درست برای مبارزه با آسیب های دنیای مجازی، از هیچ یک از این سه رویکرد به تنهایی نمی توانیم استفاده کنیم، بلکه هر سه با هم لازم است. اشتباه احتمالی مسئولان امر در کشور ما این است که در این سال ها در عین استقبال از این فضا بیشتر به مقابله با آن رفته اند. مثلاً دوستان حوزه ای ما گفته اند سایت درست کنیم، اما متأسفانه فراموش کرده ایم که در خصوص تربیت رسانه ای، فرد هم باید تربیت شود تا برود در دریای این فضا شنا کند و سالم بیرون بیاید. دیگر نباید از این موضوع غفلت کنیم.

به نظر من، راهبرد مناسب تلفیقی از سه رویکرد فوق با توجه به خصوصیات متربیان است. به این معنی که از رویکرد پیشگیرانه باید برای مراحل اولیه رشد (دوران کودکی و نوجوانی) و از رویکردهای بعدی برای مراحل بعدی استفاده کنیم.

صادقانه ای که وجود داشته است، ما موفق به تربیت دینی دانش آموزان - به گونه ای که مورد انتظار بود - نشده ایم؛ اتفاقی که اگر با آن روبه رو نشویم، در زمینه سواد رسانه ای هم متأسفانه تکرار خواهد شد. مایکل تودار، کشورهای توسعه نیافته ای را که می خواهند همه مشکلات را هم زمان و بدون توجه به مقدمات و زمینه لازم حل و فصل کنند، کشورهای پرمتغیره می خواند. متأسفانه واقعیت تلخ این است که نه تنها آموزش و پرورش که دیگر نهادها و سازمان ها نیز به دلیل همین پرمتغیره بودن، در بسیاری از موارد قادر به حل مشکلات و عبور از سد محکم موانع توسعه نیستند. این موضوع می تواند در مورد سواد رسانه ای و آموزش آن توسط آموزش و پرورش هم صدق کند. اگر باز هم در این زمینه - مانند موضوعی مهم و چندوجهی مثل تعلیم و تربیت - همه مسئولیت متوجه آموزش و پرورش شود، آموزش یا ترویج سواد رسانه ای هم دچار همان مشکل پیش گفته، یعنی برآورده نشدن اهداف، خواهد شد.

رویکرد تلفیقی، بهترین راهبرد برای استفاده از فضای مجازی

حجت الاسلام و
المسلمین دکتر علیرضا
صادق زاده قمصری
معاون فرهنگی دانشگاه



موضوع بحث من «راهبرد تربیتی مناسب برای مبارزه با چالش های فضای مجازی در جامعه اسلامی معاصر» است.

بدون شک فضای مجازی در تحولات فردی و اجتماعی نقش دارد. ما چه این تحولات را بپذیریم چه منکر آن شویم، استقبال نسل جوان ما از این فضا انکار کردنی نیست. فضای مجازی وجود دارد و این فضا هم تهدید دارد و هم فرصت. البته این وضعیت تنها به ما و جامعه اسلامی مربوط نیست. در جوامع غربی هم این تهدیدها و فرصتها هست و برای آن ها برنامه ریزی و هدفگذاری می شود.

رویکردهای ممکن به فضای مجازی

۱. رویکرد پیشگیرانه: یعنی ایجاد موانع وضعی و طبیعی در برابر فضای مجازی آسیب ساز. مصداق آن فیلترینگ است. در چنین رویکردی، هدف این است که افراد تا حد امکان نتوانند به دنیای مجازی دسترسی پیدا کنند. این رویکرد می تواند در برخی موارد و برای گروه های سنی

[illegible]

ارزشیابی توصیفی

از نظر
عمل

طاہرہ رستگار

توان ارائه
بازخورد مناسب
و مؤثر یکی
از مهارت‌های
کلیدی حرفه
معلمي است

به جرئت می‌توان گفت در فرایند آموزش، یکی از وجوه سنجش، هر نوع سنجشی، کیفیت بازخوردی است که معلم به دانش‌آموز می‌دهد. براساس این بازخورد، دانش‌آموز انتظار دارد پاسخ پرسش‌های زیر را دریافت کند:

۱. کارهای من تا چه اندازه به اهداف آموزشی مورد نظر معلم نزدیک بوده است؟
۲. برای رسیدن به این اهداف باید چه دانشی فراگیرم؟ چه مهارتی کسب کنم؟
۳. نقطه قوت کارهای من چیست؟ در چه مواردی ضعف دارم؟

توان ارائه بازخورد مناسب و مؤثر یکی از مهارت‌های کلیدی حرفه معلمی است. بازخورد مناسب دو وجه مثبت دارد. یکی وجه شناختی و دیگری وجه انگیزشی. وجه شناختی بازخورد بسیار مهم است. زیرا دانش‌آموز با دریافت آن از هدف‌های آموزشی آگاه می‌شود و ضعف‌های خود را در رسیدن به آن اهداف می‌شناسد و به‌تدریج قادر می‌شود فرایند یادگیری خود را کنترل کند. از ویژگی‌های بازخورد

شناختی این است که به دانش آموزان اطلاعاتی می‌دهد که هم قادر به درک آن‌ها هستند و هم می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. به دنبال این بازخوردها، دانش آموز فعالیت‌ها و تکالیفی را که انجام می‌دهد، برای خود معنادار می‌کند و درمی‌یابد که نقاط قوت و ضعف او کدام‌اند و به‌تدریج مهارت‌های لازم برای کنترل فرایند یادگیری خود را کسب می‌کند.

هاتی و تیمبرلی (۲۰۰۷) در مطالعات وسیع خود، مدلی را برای بازخورد ارائه داده‌اند که دارای چهار سطح متمایز زیر است:

۱. بازخورد در مورد تکلیف: این بازخورد بیشتر بر بیان درستی یا نادرستی یک تکلیف معین تأکید دارد؛

۲. بازخورد در مورد فرایند انجام کار:

این بازخورد بر فرایند و روش انجام کار تأکید دارد و می‌تواند در موارد مشابه استفاده شود؛

پلاک ۱

[illegible]

1- داشتن تمرکز و توجه 2- مشارکت در فعالیت ها 3- شرکت در فرآیند تفکر 4- رعایت قوانین 5- مشارکت در کار گروهی

۱- به همراه داشتن کارت برگ کتاب و دفتر ۷- برقراری ارتباط میان فردی ۵-
 بالاتر از حد انتظار ✓✓ در حد انتظار ✓ در حال تلاش + نیازمند تلاش X

از طرف دیگر، والدین هم خودشان را به صورت دیگری با این کارنامه‌ها تطبیق داده‌اند.

حساسیت آنان به نمره «۲۰»، به
حساسیت به ارزیابی «خیلی خوب»
تبدیل شده است!

باید بپذیریم بین آنچه برنامه‌ریزان ارزشیابی کیفی- توصیفی در «نظر» داشته‌اند و آنچه در «عمل» اتفاق افتاده است، شکاف عمیقی وجود دارد. اگر این شکاف نادیده گرفته شود، بیم آن می‌رود که در آینده نتوان ضربه‌ای را که نپذیرفتن واقعیت‌ها و نشان ندادن عکس‌العمل مناسب و به موقع در پرکردن این شکاف بر پیکره آموزش در دوره ابتدایی وارد می‌کند، حبران کرد.

باور به تحولی و باارزش بودن ارزشیابی توصیفی می‌تواند موتور محرکه مناسب و با قدرتی در اعمال آن باشد، به شرط آنکه ابزار کار به‌درستی فراهم شود؛ برای فراهم آوردن ابزار مناسب هم، گام اول آسیب‌شناسی آن چیزی است که در زمان حال در قالب «ارزشیابی کیفی - توصیفی» در مدارس اجرا می‌شود.

فراهم شده است؟

- آیا معلمان آموزش لازم را دیده‌اند؟
- آیا والدین با ویژگی‌های این نوع بازخورد آشنا هستند و می‌دانند از بازخورد توصیفی باید چه انتظاراتی داشته باشند؟
- آیا این شیوه بازخورد بر کیفیت ابزارهای سنجش تأثیر منفی گذاشته است؟
- آیا این شیوه بازخورد توانسته است کیفیت آموزش را ارتقا دهد؟
- آیا مهارت خودسنجی و کنترل فرایند یادگیری در دانش‌آموزان رشد کرده است؟
- نگارنده در کارگاه‌های متعدد آموزشی خود پاسخ امیدوارکننده‌ای برای پرسش‌های بالا دریافت نکرده است. معلمان محدودی توانسته‌اند با استناد به این رویکرد، شیوه‌های مناسبی در ارائه بازخورد به دانش‌آموزان ابداع و از آن استفاده کنند، و یا اینکه در پرورش مهارت خودسنجی در دانش‌آموزان گام‌های مناسب بردارند.

واقعیت این است که بیان توصیفی یک عملکرد، بسیار دشوارتر از ارزیابی آن در قالب نمره دادن است. توان توصیف کردن نقاط قوت و ضعف دانش آموز به گونه‌ای که مؤثر افتد، مهارت‌های زمینه‌ای وسیعی را می‌طلبد که بسیاری از معلمان گرچه مشتاق داشتن این مهارت‌ها هستند، اما به دلیل آموزش ندیدن در این زمینه، ارزیابی توصیفی کیفی را کاری کلیشه‌ای و بسیار وقت‌گیر و بی‌فایده دیده‌اند. آنان اظهار می‌کنند، قضاوت در قالب واژه

مؤثرترین
بازخورد،
بازخوردی است
که به کیفیت کار
یا روش انجام آن
داده می‌شود

از زبان حق از عفتیان های صیده های آسمان و خزان

من در گذر کس فراموش و دردمدای آسمانی یاد نرفتم
گنج موری ساسم را با دوستان طبع علم دهه ... من در این گلدی
از زبان خودم نظر دارم که در یکی ساجی یک دوست مریب جیب و
حاضر بنده قربانی بخشن حضرت با ابراهیم بازی کردیم
حال مایم غیبت کلف را در باره ای تحقیق می کنیم و داریم درست
می کنیم
حاضر خود خوالی در مردمه حضرتیم
احساس من در باره ای ای گلدی عالی است

[illegible]

و ارتباطات او با دانش آموزان بر محور همان هدف شکل می گیرد و به همین نسبت اثربخشی آموزش افزایش می یابد. بنابراین، توانمندی شناسایی و انتخاب هدف، از ضرورت های معلمی محسوب می شود. معلم باید بتواند اهداف و سطوح آن را بشناسد و متوجه اثربخشی هر هدف در فرایند یاددهی - یادگیری باشد. برای نمونه، «تربیت انسانی خلاق و کارآفرین» از اهداف کلانی است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به آن اشاره شده است. در مواجهه با چنین هدفی، این پرسش باید برای معلم مطرح شود که وی چگونه و تا چه اندازه برای جهت دهی برنامه های آموزشی و پرورشی کلاس خود باید بر این هدف متمرکز شود. بدیهی است پاسخ او به این سؤال، به محتوای آموزشی که برای تدریس او طراحی و تنظیم شده است، به اهداف عملیاتی مربوط به آن، به سهم محتوا و نیز نحوه ارائه آن مرتبط است. به عبارت دیگر، معلم ناگزیر از شناسایی و ارتباط گرفتن با اهداف در سطوح گوناگون است.

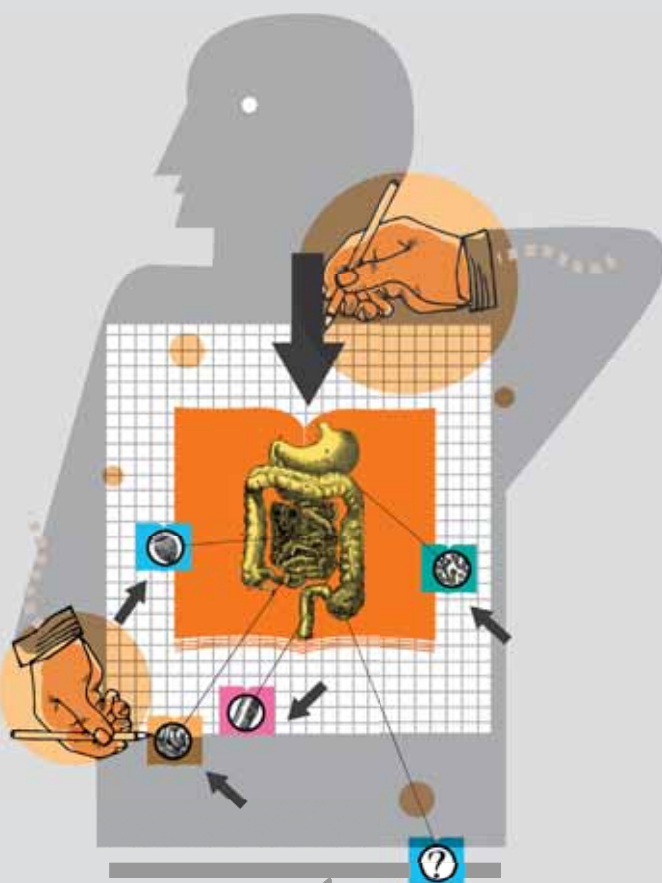
❌ پله پله تا هدف

درباره آنچه معلم باید در خصوص تقسیم بندی اهداف و سطوح آن بداند، به طور خلاصه در ادامه اشاره کرده ایم، اما پیش از آن باید بگوییم که اگر معلم نگاه و عملکرد خود را تنها به اهداف دریافتی از کتاب درسی محدود کند، ولی به اهداف کلان و رویکرد حاکم بر کل برنامه توجه نداشته باشد، احتمال آنکه با شکست روبه رو شود و یا به بیراهه برود بسیار است.

از جمله عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی، «هدف»، «محتوا»، «شیوه تدریس» و «شیوه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی» است. برقراری ارتباط بین این اجزا از مهم ترین وظایف برنامه ریزان و نیز معلمان، به عنوان مجریان برنامه درسی، به شمار می رود. از عناصر چهارگانه یاد شده هدف در رأس قرار دارد، به نحوی که محتوای آموزشی باید براساس آن شکل بگیرد؛ در صورتی که شیوه های تدریس و ارزشیابی نیز در راستای هدف به اجرا درنیایند، برنامه ریزی کاری عبث و بیهوده خواهد بود. در شماره های گذشته از این مجموعه نوشته ها، اهمیت و ضرورت توجه معلم نسبت به اهداف آموزشی، و نیز منابع تأثیرگذار بر تعیین اهداف را بررسی کردیم و اکنون به معرفی انواع هدف، سطوح اهداف، چرایی اهمیت و چگونگی شناخت آن توسط معلم می پردازیم.

❌ مقصود کجاست؟

تصور کنید در خیابان مشغول راه رفتن به سویی هستید و اطمینان از درستی مقصد خود ندارید. اگر همچنان به رفتن ادامه دهید، چه اتفاقی می افتد؟ به احتمال زیاد از جایی سر درمی آورید که با مقصد اصلی شما فاصله دارد. شناسایی هدف و توجه به آن نقش چراغ راهی در دوردست را دارد که به طور مداوم دوری گزیدن از بیراهه ها را در شب به مسافر یادآوری می کند. اهداف در برنامه درسی نیز از همین جایگاه برخوردارند. هنگامی که معلم رسیدن به هدفی را در محتوای آموزشی انتخاب می کند، تمامی عملکرد



پله پله تا هدف

تغییر
اساس بهسازی
آموزش است

دکتر لیلا سلیقه دار

به‌طور کلی، برای تقسیم‌بندی اهداف آموزشی، ملاک‌های گوناگونی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: وسعت، دامنه، زمان وصول، تفسیرپذیری، قابل درک بودن و قابلیت اندازه‌گیری.

براساس ملاک‌های یاد شده، اهداف به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌شوند که در هر برنامهٔ درسی واحد، ارتباط بین آن‌ها بدیهی است.

اهداف می‌توانند در تقسیم‌بندی سه‌گانهٔ دیگری نیز قرار بگیرند:

اهداف آرمانی

بیانیه‌هایی بسیار کلی هستند که ارزش‌هایی را در برنامهٔ درسی نشان می‌دهند. برای نمونه، تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد، از جمله اهداف آرمانی است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به آن اشاره شده است.

اهداف کلی

هدف‌هایی هستند که حد وسط اهداف آرمانی و عینی قرار دارند و به‌عنوان پله‌ای در جهت رسیدن به اهداف آرمانی مورد نظر قرار می‌گیرند. از آن‌ها می‌توان به‌عنوان شاخصی برای قضاوت در مورد کل برنامهٔ آموزشی استفاده کرد. برای مثال، در سند تحول بنیادین، به اهداف عملیاتی اشاره شده است که می‌تواند در این سطح از اهداف جای گیرد، مانند «پرورش تربیت‌یافتگانی که به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی مقید هستند».

اهداف عینی

شامل آن چیزی است که انتظار می‌رود در نهایت در یادگیرندگان محقق شود. می‌توان به اهداف کتاب‌های درسی اشاره کرد که در هر کدام، اهدافی متصور شده است که می‌تواند به تغییر نگرش، باور، رفتار و دانش دانش‌آموز منجر شود.

در نگاهی جامع‌تر، اهداف کلی درس از اهداف رفتاری جدا می‌شوند. در این تقسیم‌بندی، مقصود از اهداف کلی، انتظاراتی است که پس از اتمام درس از فراگیرنده داریم و اهداف رفتاری به میزان دستیابی فراگیرنده به اهداف کلی درس گفته می‌شود که قابل اندازه‌گیری هستند و در اغلب موارد با برگزاری آزمون امکان ارزیابی آن‌ها وجود دارد و ملاک و شایستگی ارتقای پایه محسوب می‌شوند.

حال
این پرسش مطرح است که معلم با کدام دسته از اهداف بیشتر رویارو می‌شود و اساساً آیا معلمان به بررسی و آشنایی با اهداف مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیاز دارند؟

براساس تقسیمات یاد شده، آنچه در کتاب‌های درسی در اختیار معلمان قرار می‌گیرد، اهداف عینی و رفتاری است که زیرشاخه و منشعب از اهداف کلی در برنامهٔ درسی و اهداف آرمانی مربوط به آن است. بر این اساس، تنها مواجههٔ معلمان با سطوح اهداف، به همین دو سطح از هدف مربوط می‌شود.

نکتهٔ حائز اهمیت این است که هر قدر معلمان با فلسفه و دلیل وجودی یک انتظار، بیشتر آشنایی داشته باشند، به اهمیت و جایگاه آن پی می‌برند و نسبت به آن پایبندی نشان می‌دهند. به همین سبب، مطالعه و بررسی اهداف آرمانی و کلی برنامهٔ درسی ملی کشور توسط معلمان می‌تواند به حسن عملکرد آنان در این زمینه کمک کند

و تأثیرگذاری فعالیت‌هایشان را افزایش دهد. هنگامی که معلم به‌عنوان یکی از وظایف خود، به بررسی اهداف آرمانی و غایی برنامهٔ درسی ملی مشغول می‌شود، در صورت به خطا رفتن در شناسایی اهداف محتوای آموزشی، با سهولت بیشتری می‌تواند با توجه به جهت‌گیری‌های کلی مندرج در برنامهٔ درسی ملی، از اشتباهات جلوگیری کند.

اهداف در محتوای آموزشی می‌تواند مهارت‌های شناختی، مهارت‌های عملی، ارزش‌گذاری، نگرش و انگیزش را شامل شود. بر این اساس، ممکن است بتوان نتیجه یادگیری دانش‌آموزان را به کمک یک تست ساده اندازه گرفت یا در حالت‌های دیگر، شناسایی میزان یادگیری وی، با گذشت زمان زیاد و مطالعه زندگی شخصی او ممکن است.

برخی از کتاب‌های درسی، کتاب راهنمای معلم دارند که در آن به اهداف هر درس اشاره شده است. در این صورت، لازم است معلم تمامی فعالیت‌های خود و دانش‌آموزان را در جهت تحقق اهداف مورد انتظار سازمان‌دهی کند.

در طراحی محتوای آموزشی در مدارس ایران، درج هدف به‌عنوان نام درس یا بخشی از کتاب درسی یا ذکر آن در ابتدای مطلب، متداول و رایج نیست و به‌همین دلیل، شناسایی آن در حین طراحی آموزشی، پیش از آغاز درس توسط معلم، از ضروریات محسوب می‌شود.

در طراحی تدریس، هدف یا اهداف کلی، هدف‌هایی هستند که بخش اعظم و روح و پیکره کلی درس به آن‌ها مربوط است. برای مثال، هدف کلی یکی از درس‌ها در کتاب علوم تجربی پایه هفتم، شناخت ساختمان و کار دستگاه گوارش است.

در صورتی که کتاب راهنمای معلم در اختیار نباشد (که ممکن است این اتفاق برای هر معلمی یا هر درسی روی دهد)، وظیفه شناسایی هدف بر دوش معلم است و او باید طرح درس خود را بر مبنای هدف یا اهداف مورد نظر در درس تنظیم کند.

با توجه به حیطه هدف کلی، اهداف جزئی پله‌های رسیدن به هدف کلی درس به حساب می‌آیند. براساس نمونه هدف کلی ذکر شده، موارد زیر می‌تواند شامل اهداف جزئی مربوط به آن باشد:



آشنایی با عمل جذب و چگونگی انجام آن توسط روده



آشنایی با چگونگی گوارش غذا در بدن



آشنایی با اجزای دستگاه گوارش



آشنایی با ساختمان پرزها و نحوه عمل آن‌ها



آشنایی با آنزیم‌های دستگاه گوارش



آشنایی با کار هر قسمت از دستگاه گوارش



آشنایی با خصوصیات مهم آنزیم‌ها و نحوه کار آن‌ها



آشنایی با لزوم عمل گوارش در بدن



نمی‌توان انکار کرد که هر اندازه دانش‌آموزان از هدف یا هدف‌هایی که قرار است در هر جلسه تحقق آن را با شما تجربه کنند، آشنایی بیشتری داشته باشند و این امر برایشان از وضوح بیشتری برخوردار باشد، به همان اندازه در کسب انتظارات نهایی در هر جلسه موفق‌تر عمل می‌کنند.

ممکن است شما به‌عنوان معلم کلاس خود و به‌فراخور شرایط و به اقتضای آن، به طراحی و تنظیم اهداف دیگری، علاوه بر اهداف متصور در برنامه درسی و کتاب آموزشی، دست بزنید. این اهداف، از جمله هدف‌های عملیاتی محسوب می‌شوند که صرفاً به محدوده همان کلاس اختصاص دارند.

یکی از انتظارات معلمان از دانش‌آموزان پرسیدن سؤال است. گاهی دیده می‌شود که سؤالات دانش‌آموزان بیش از آنکه مربوط به موضوع باشد، پرداختن به حاشیه‌هاست! در مواجهه با چنین سؤالاتی معلمان چه رفتاری باید داشته باشند. در نوشتار زیر این موضوع بررسی می‌شود.

سل تفقهاً و لاتسأل تعتاً: پرس به قصد فهمیدن ولی نه به قصد به زحمت انداختن (نهج البلاغه/ حکمت ۳۲۰).

بسیاری از مادیبران همواره با پرسش‌های دانش‌آموزان روبه‌رویم؛ سؤالاتی که گاهی با موضوع درسی مرتبط هستند و گاهی هم کوچک‌ترین ارتباطی با کتاب درسی ندارند.

پرسش با ادب +

طرح برخی از سؤالات برای فرار از بار تکلیف است

صدیقه باقری

دبیر دین و زندگی منطقه ۶ تهران

گاهی سؤالات دانش‌آموزان در راستای همان هدف توصیه شده در سخن امام علی(ع) - به قصد فهمیدن - است و در برخی موارد که کم هم نیست، با هدفی خلاف سفارش آن امام همام، و به‌زعم خودشان مچ‌گیری از معلم.

چرا در هر کلاسی چنین دانش‌آموزانی وجود دارند؟ انگیزه آن‌ها از طرح این سؤالات چیست؟

با این نوع سؤالات و روش پرسیدن، قصد اثبات چه چیزی را به معلم دارند؟ ریشه این رفتار آن‌ها چیست و این مشکل از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ با این دانش‌آموزان چگونه رفتار کنیم؟ پاسخ سؤالات را بدهیم یا آن‌را نشنیده بگیریم و بی‌اعتنا باشیم، یا طوری رفتار کنیم که دیگر جرئت طرح چنین پرسش‌هایی را نداشته باشند؟

قطعاً نادرست‌ترین راه‌حل، این راه اخیر است. ما با این کار فقط صورت مسئله را پاک کرده‌ایم، بدون اینکه حرکتی در جهت اصلاح رفتار دانش‌آموز انجام داده باشیم. هر معلمی از پرسش دانش‌آموز، به‌ویژه اگر با موضوع درس مرتبط باشد، استقبال می‌کند.

ذهن پرسشگر دانش‌آموز حکایت از پویایی او و حرکت در جهت دانستن و به تبع آن رشد کردن دارد. اما هنگامی که این سؤالات به قصدی جز آموزش و برای اذیت معلم یا به قول دانش‌آموزان، مچ‌گیری از معلم، باشد، چه باید کرد؟ چطور قصد و هدف این دسته از دانش‌آموزان را به مسیر صحیح و مطلوب پرسیدن هدایت کنیم؟ شاید بجا باشد برای پاسخ، از کامل‌ترین کتاب راهنمای زندگی یعنی قرآن مدد جوییم. تا حالا دقت کرده‌اید: کلمه یسنلونک (از تو می‌پرسند) ۱۵ بار در قرآن آمده و در همه‌جا در ادامه آن «قل» آمده است، یعنی: خداوند به رسول اکرم(ص) امر می‌کند فارغ از اینکه سؤال‌کننده کیست؟ هدفش از طرح این سؤال چیست؟ و موضوع سؤال چیست؟ به سؤالات

مخاطب خود پاسخ دهد. در واقع، امر به پاسخگویی و مسئول بودن می‌کند.

وقتی این آیات را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم برخی از این سؤالات با قصد توجیه و فرار از بار تکلیف بوده است. مشابه زمانی که دانش‌آموزان برای فرار از آزمون‌های کتبی یا شفاهی معلم، قبل از امتحان، با پرسیدن مکرر سؤالات، قصد زمان‌بری یا به تعبیر خودشان وقت‌کشی دارند و وقتی به مقصود می‌رسند و معلم به دلیل کمبود وقت فرصت آزمون کتبی یا شفاهی را از دست می‌دهد، می‌توان لبخند پیروزمندی را در چهره‌هایشان دید.

اما قطعاً رفتار رسول خدا(ص) به‌گونه‌ای بوده که مسلمانان به خود اجازه سؤال کردن می‌دادند. خداوند در قرآن اوصاف متعددی از خوش‌اخلاقی و حسن برخورد حضرت محمد(ص) با مردم آورده است؛ از جمله این آیات: «فَیْمَا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَیْسَتْ لَهُمْ وَّلَوْ کُنْتَ فِظًا غَلِیظَ الْقَلْبِ لَانْفَضَّوْا مِنْ حَوْلِكَ.» (آل عمران/ ۱۵۹)؛ «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَیْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه/ ۱۲۸).

قبلاً عده‌ای معتقد بودند معلم موفق کسی است که 3R (به زبان انگلیسی) را در دانش‌آموز تقویت کند:

خواندن (Read)؛

تکرار کردن (Repeat)؛

مرور کردن (Review)؛

اما اکنون می‌گویند معلمی موفق است که خود را با 3H درگیر کند:

قلب دانش‌آموز (Heart)؛

ذهن دانش‌آموز (Head)؛

دست دانش‌آموز (Hand)؛

به عبارت دیگر، معلمی که بتواند ابتدا با دانش‌آموز ارتباط عاطفی عمیق برقرار و محبت او را جلب کند و سپس با ایجاد خلاقیت، ذهن او را درگیر سازد، به‌راحتی توانسته است دست دانش‌آموز را نیز با خود همراه کند. یعنی دانش‌آموز

با اشتیاق تکالیف عملی را انجام می‌دهد. آنچه را نظام آموزشی جهانی امروز به آن رسیده است، قرآن، پانزده قرن قبل، بیان کرده است. به این صورت که:

در قرآن، در اکثر آیاتی که صفت «رئوف» آمده است، بعد از آن صفت «رحیم» ذکر شده است: رئوف کسی است که رأفت یعنی مهرورزی درونی و باطنی دارد، اما رحیم یعنی کسی که رحمت دارد و رحمت در رفتار و عمل او جلوه می‌کند.

یعنی رحمت یا مهرورزی قلبی معلم نسبت به دانش‌آموز کافی نیست. این محبت و ارادت باید در رفتار او هم متجلی شود؛ چه در قالب گفتار محبت‌آمیز و چه در قالب رفتاری توأم با مهرورزی.

حتی کمترین حد محبت مانند نوازش گونه دانش‌آموز، دست کشیدن بر سر او، با گرمی پاسخ سلام او را گفتن، توقف هنگام سلام دادن او، پاسخ سلام او را دادن و احوال‌پرسی کردن، و جویا شدن حال والدینش. این امور به‌ظاهر جزئی، بر مثبت شدن نگاه دانش‌آموز به معلم و جلب محبت او تأثیر عظیم دارد.

در سورة ضحی هم قرآن اولین شکل حمایت را تقویت عاطفی ذکر می‌کند. آنجا که وقتی به موارد متعدد کمک‌های به رسول اکرم(ص) اشاره و در نحوه یاری به دیگران به ایشان توصیه می‌کند، حمایت عاطفی را در اولویت قرار می‌دهد. پس اگر می‌خواهیم مسیر حرکت دانش‌آموزان در هدف از پرسش متحول شود، کافی است قلب آن‌ها را به خود متمایل گردانیم. وقتی دانش‌آموزان به معلمی محبت و ارادت قلبی داشته باشند، درس او را جدی‌تر می‌گیرند. تکالیف اختیاری معلم را برای خود تکلیف می‌دانند و انجام می‌دهند. انضباط و نظم را در کلاس او بیشتر رعایت می‌کنند و در برخورد با معلم ادب و احترام و محبت بیشتری نشان می‌دهند. مهم‌تر از آن، سؤال کردنشان به قصد تفقه می‌شود نه تعنت. و این توفیق کوچکی نیست.

قانون

فرهنگ نامه حقوق

آشنایی مقدماتی با مهم ترین اصطلاحات حقوقی

احمد مختاریان

هر متن علمی متشکل از سه بخش اصلی است: اصطلاحات، تعاریف و مسائل.

برای درک مطالب مطرح در هر علم باید با دو بخش اصطلاحات و تعاریف آشنایی کامل داشت. برای آنکه ارزش آشنایی با اصطلاحات را بیش از پیش درک کنیم، به یکی از اصطلاحات بسیار رایج در حقوق اشاره می‌شود. بسیاری از مردم واژه «کفالت» را شنیده یا به کار برده‌اند. به نظر شما، وقتی قاضی یا بازپرس به یکی از اصحاب دعوی می‌گوید باید کفیل معرفی کنید، منظور او چیست؟ قطعاً منظور او معرفی فردی به دادگاه نیست که سرپرستی کسی را بپذیرد، بلکه منظور این است که کسی را به دادگاه معرفی کند که تعهد نماید در زمان مقرر شخص مورد نظر دادگاه را در دادگاه حاضر کند.

برخی از مردم به جای استفاده از این اصطلاح، از اصطلاح «ضامن» استفاده می‌کنند که از نظر حقوقی مفهومی دیگر دارد. مسلماً یکی از کارهایی که همهٔ معلمان گرامی در کلاس‌های درس خود به

آن اهتمام دارند، تفهیم اصطلاحات است. امیر، قافیه، حد تام، اتم گرم، مشتق، پروکاریوت، برزخ و هزاران واژه دیگر، اصطلاحاتی هستند که معلمان برای تفهیم آن‌ها به دانش‌آموزان تلاش می‌کنند، زیرا درک معنا از قدم‌های اول و بنیادین برای درک مطالب درسی است. از طرف دیگر، همهٔ معلم‌ها دربارهٔ به کار بردن نابجای آن‌ها به دانش‌آموزان تذکر می‌دهند. همین روند در لحظه لحظهٔ زندگی عادی انسان‌ها جریان دارد.

علم حقوق نیز مانند سایر علوم اصطلاحاتی دارد که آشنایی با آن‌ها از اهمیت بسیار برخوردار است. یکی از علت‌هایی که باعث می‌شود طرفین دعوی از متن احکام دادگاه‌ها سر درنیاورند، وجود اصطلاحات حقوقی در آن‌هاست.

در این مقاله به توضیح برخی از اصطلاحات حقوقی می‌پردازیم و در مقالات آینده، بر حسب موضوع، به تبیین اصطلاحات مرتبط با بحث خواهیم پرداخت.

قانون واژه‌ای است یونانی^۱ به معنای خط‌کش. قانون در حقوق عبارت است از قاعده‌ای که طبق تشریفات خاص از سوی مقام صلاحیت‌دار وضع و مقرر می‌شود. به همین دلیل است که اگر قاعده‌ای بدون طی تشریفات خاص وضع شود یا وضع آن صلاحیت لازم را نداشته باشد، بی‌ارزش است و ضمانت اجرا نخواهد داشت.

در هر جامعه‌ای قوانینی وجود دارد که مراجع دارای صلاحیت، آن‌ها را در تشریفات خاصی پدید آورده‌اند. اما ارزش قوانین و جایگاه آن‌ها یکسان نیست، یعنی میان قوانین سلسله‌مراتب برقرار است. سلسله‌مراتب رایج در دنیا و از جمله ایران به این شرح است:

بالاترین قانون، قانون اساسی است. قانون اساسی مادر همهٔ قوانین در همهٔ کشورهای جهان است. کشوری که قانون اساسی نداشته باشد، یک ضعف بزرگ حقوقی دارد.

هیچ‌کس مجاز نیست قانونی وضع کند که با قانون اساسی مغایر یا مخالف باشد.

پس از قانون اساسی، قوانین عادی قرار دارند که مجلس یا همان قوهٔ مقننه آن‌ها را وضع

می‌کند. قوانین مجلس نباید مغایر یا مخالف قانون اساسی باشد. قانون مدنی، قانون کار و قانون مجازات اسلامی از جمله قوانین عادی هستند.

در مرتبهٔ سوم و آخر، مصوبات هیئت دولت (قوهٔ مجریه) قرار دارند. این

مصوبات نباید با قوانین عادی که قوهٔ مقننه وضع می‌کند، مغایرت یا مخالفت داشته باشند. هیچ‌کس مجاز به عمل به مصوباتی نیست که با قوانین عادی مغایر یا مخالف باشند. آیین‌نامه‌های اجرایی، بخش‌نامه‌های دولت و وزیران از جملهٔ مصوبات هیئت دولت هستند.

مجلس می‌تواند مصوبات دولت را فاقد اعتبار اعلام کند، اما دولت نمی‌تواند مصوبه‌ای مبنی بر بطلان قوانین مجلس داشته باشد.

قواعد آمره
(قوانین دستوری)

قواعد و موادی هستند که الزاماً باید به همان نحو که قانونگذار مقرر کرده است مورد عمل قرار گیرند. یعنی هرگونه توافقی برخلاف آن‌ها غیرمجاز و در دادگاه فاقد ارزش حقوقی است. مثلاً مرد مجاز نیست حق طلاق را به زن واگذار کند و اگر چنین توافقی حتی به صورت کتبی و محضری نیز ثبت شده باشد، زن نمی‌تواند با استناد به آن خود را مطلقه نماید، زیرا قانون سلب حق طلاق از مرد را هرچند با اختیار مرد صورت گرفته باشد، معتبر نمی‌داند. این گونه قوانین را قواعد آمره گویند.

دعوای کیفری

دعوایی است که در آن امور کیفری مطرح شده باشد؛ مانند قتل، صدور چک بلامحل، مزاحمت و خیانت در امانت.

جرم

عبارت است از هر گونه رفتاری - اعم از انجام دادن یا انجام ندادن کار - که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد.

شخص حقیقی

در حقوق هر موجودی که بتوان نام انسان را بر وی نهاد شخص حقیقی نامیده می شود.

شخص حقوقی

موجودی است اعتباری که قانون او را به رسمیت شناخته است. مثلاً مدرسه، وزارتخانه، مقام ریاست جمهوری و شرکت سهامی خاص، اشخاص حقوقی هستند.

ضابط دادگستری

اشخاص و مقاماتی هستند که اساساً بخشی از قوه مجریه به شمار می روند، اما به موجب قانون در پاره ای از امور، تحت امر مقامات قضایی انجام وظیفه می کنند. مثلاً نیروی انتظامی بخشی از قوه مجریه است، اما در پاره ای از موارد باید براساس قانون دستورات مقامات قضایی را اجرا کند.

مشتکی عنه

شخصی است که علیه او در دادسرا یا دادگاه، دعوای کیفری اقامه شده است.

دادسرا

بخشی از قوه قضاییه است که تحقیقات اولیه در مورد دعوا را انجام می دهد و نتیجه را به دادگاه رسیدگی کننده اعلام می دارد.

دادگاه

بخشی از قوه قضاییه است که به موضوع دعوا رسیدگی و درباره آن رأی صادر می کند.

دعوای حقوقی

دعوایی است که در آن امور مالی یا خانوادگی مطرح شده است؛ مانند جبران خسارت ناشی از تصادف دو اتومبیل.

خواهان

شخصی است که علیه دیگری به دادگاه مراجعه کرده است و موضوع دعوای او امور غیر کیفری (مالی یا خانوادگی) است.

خواننده

شخصی است که در مقابل خواهان قرار می گیرد.

خواستنه

موضوع دعوا را خواسته گویند؛ یعنی آنچه از دادگاه برای رسیدگی به آن تقاضا شده است.

شاکی

شخصی است که علیه دیگری به دادسرا یا دادگاه مراجعه می کند و موضوع دعوای او امور کیفری است.

قواعد تفسیری (قوانین تکمیلی)

قوانینی هستند که قانون اجازه داده است برخلاف آن ها توافقاتی صورت پذیرد و آن توافقات ارزش حقوقی دارند و می توانند در دادگاه کارایی داشته باشند. مثلاً تعیین مرجع رسیدگی کننده در قراردادهای تجاری به توافق طرفین قرارداد واگذار شده است، هر چند قانون تجارت مراجع رسیدگی کننده را مشخص کرده باشد.

نکته بسیار مهم در این باره آن است که هرگاه طرفین توافق خاصی را مطرح نکرده باشند، در صورت بروز اختلاف، بر طبق قانون به اختلاف آن ها رسیدگی خواهد شد. مثلاً اگر در ازدواج مهریه معین نشده باشد (تعیین مهریه الزامی نیست)، در صورت بروز اختلاف درباره مهریه، طبق قانون عمل می شود. یعنی به راهکاری که قانون معین می کند (مثلاً مهرالمثل) عمل می شود.



نمایشگاه دائمی

بازدید از مدرسه دخترانه
نمونه دولتی پوش در
شهرستان شوشتر

فرزانه نوراللهی



فکر می‌کنید کلاس علوم چگونه باید باشد؟
آیا اگر دیوارهایش پر از نقش و نگار باشد، که البته محصول
هنری و فکری بچه‌هاست، حواسشان پرت می‌شود یا اینکه
جذابیت و شادابی و نشاط آن‌ها را در کلاس
افزایش می‌دهد؟
آیا اگر از توانایی دانش‌آموزان در چیدمان و آراستن
کلاس‌ها استفاده کنیم، اثربخشی محتوای آموزشی را
بیشتر کرده‌ایم؟
برای تغییر فضای آموزشی و کلاس درس چقدر باید
هزینه کنیم؟
بار دیگر مدرسه‌ای را معرفی می‌کنیم که بیشتر به فکر و
خلاقیت دانش‌آموزان اتکا دارد تا بودجه و امکانات!
بخش‌هایی از این مدرسه را با هم می‌بینیم:



چگونه می‌توان توجه به بردهای آموزشی کلاس را جزئی از محتوای آموزشی قرار داد و مسئولیت آن را مستقیماً به گروه‌های دانش‌آموزی واگذار کرد؟
برای ارزشیابی و امتیاز دادن به این فعالیت‌ها چه پیشنهادی دارید؟

کمی بیشتر از بازیگوشی

اختلالی که کودکان را به
سختی می‌اندازد
حدیثه اوتادی

در گذشته‌ای نه چندان دور، بسیاری از کودکان دبستانی به دلیل آنچه بی‌توجهی، شیطنت یا بازیگوشی نامیده می‌شد، مورد بی‌مهری و حتی اخراج از مدرسه واقع می‌شدند. گویا والدین و آموزگاران نمی‌دانستند که می‌توانند به این بچه‌ها کمک کنند و آن‌ها را با شرایط عادی به گروه هم‌سالان خود بازگردانند. آنچه آن کودکان را از دیگران متمایز می‌کرد، همان «اختلال بیش‌فعالی» بود که به‌نظر خیلی‌ها مشکل کودکان امروز نیز هست. امروزه متأسفانه مشکل بیش‌فعالی به‌صورت دیگری خود را نشان می‌دهد، بعضی از اولیای مدرسه یا حتی والدین، از روی ناآگاهی، با مشاهده یک یا چند نشانه کوچک، برچسب بیش‌فعالی به کودک یا نوجوان زده‌اند و موجب جدایی او از هم‌کلاسی‌هایش شده‌اند. در صورتی که حتی اگر تشخیص بیش‌فعالی درست باشد، خود دانش‌آموز نباید از آن مطلع شود، چرا که در این صورت هرگونه خطای خود را مجاز می‌داند و آن را به بیش‌فعال بودنش نسبت می‌دهد تا خود را توجیه کند. در این شماره به اختصار گزینه‌های حائز اهمیت در مورد این اختلال را بیان می‌کنم.

**افراد بیش فعال
در سنین بالاتر
کمتر با مشکل
پرتحرکی روبه‌رو
هستند و بیشتر
احساس
بی‌قراری می‌کنند**

موارد اشاره کرد:

- سیگار کشیدن یا مصرف الکل مادر در دوران بارداری؛ حتی استنشاق تحمیلی دود سیگار توسط مادر باردار ممکن است باعث اختلال در رفتار کودک شود؛
- قرار گرفتن در معرض آلودگی‌های محیطی مثل هوای سرب‌دار؛
- مسمومیت جنین در دوران بارداری؛
- نارس بودن نوزاد؛
- رابطه خونی با افراد مبتلا؛ افرادی که والدین یا خواهر و برادر مبتلا دارند؛
- غذاهای دارای مواد افزودنی مثل شیرین‌کننده‌های مصنوعی یا رنگ‌دهنده‌های خوراکی و مواد نگهدارنده موجود در غذاهای آماده.

عوارض و خطرات بیش‌فعالی

- کودکان بیش‌فعال؛
- معمولاً در مدرسه با دیگران مشاجره می‌کنند و درگیر می‌شوند؛
- نسبت به سایر کودکان صدمات و اتفاقات بیشتری برای آن‌ها پیش می‌آید؛
- عزت‌نفس پایینی دارند؛
- در مدرسه عملکرد ضعیفی دارند؛
- در برقراری ارتباط با هم‌سالان و بزرگ‌سالان مشکل دارند؛
- احتمال معتاد یا الکلی شدن آن‌ها در بزرگسالی و ارتکاب سایر رفتارهای ضداجتماعی و گاه بزهکارانه در آن‌ها بیشتر است.
- هر چند بیش‌فعالی باعث ابتلا به بیماری‌های دیگر نمی‌شود، اما کودکان بیش‌فعال بیشتر از سایرین در خطر ابتلا به بعضی مشکلات هستند: ناتوانی در یادگیری، اضطراب، افسردگی، تیک‌های عصبی و لکنت زبان.

درمان بیش‌فعالی

اگر این اختلال در کودکی درمان نشود، احتمال اینکه تا بزرگسالی فرد را درگیر کند وجود دارد. افراد بیش‌فعال در سنین بالاتر کمتر با مشکل پرتحرکی روبه‌رو هستند و بیشتر احساس بی‌قراری می‌کنند. مطالعات نشان داده است، رژیم‌های غذایی می‌تواند برای کمک به این افراد کارساز باشد. برای مثال، باید از مصرف زیاد شکر و خوراکی‌های شیرین مانند کیک، شیرینی، شکلات، بیسکویت و نوشابه‌های شیرین که تحریک‌کننده هستند، خودداری کنند.

تشخیص بیش‌فعالی

- بیش‌فعالی نشانه‌های بارزی دارد که فهرست‌وار به آن‌ها اشاره می‌کنم:
- ناتوانی در تمرکز و توجه به جزئیات؛
- تحرک زیاد؛ گویی در بدن کودک موتور کار گذاشته‌اند؛
- نداشتن صبر در گوش کردن و انتظار کشیدن؛
- ناتوانی در انجام تکالیف مدرسه و به پایان رساندن کارها؛
- بی‌نظمی و بی‌قراری؛ معمولاً نشستن در یک جا برای چنین کودکی مشکل است؛
- انجام رفتارهای پرخطر؛ این کودکان خیلی به اصطلاح «بی‌هوا» هستند؛
- پرحرفی؛
- خیال‌بافی؛
- فراموش کاری و حواس‌پرتی؛ از جمله گم کردن مداوم وسایل؛
- خرابکاری.

نکته حائز اهمیت این است که اگر این علائم، در دوره‌هایی کوتاه گاهگاه دیده شود، نمی‌تواند علامت بیش‌فعالی باشد. برای تشخیص صحیح بیش‌فعالی باید مجموعه علائم فوق حداقل در مدت شش ماه بررسی شود. علاوه بر آن، کودکان در بعضی از موقعیت‌ها و بیماری‌ها مانند تغییرات ناگهانی زندگی خانوادگی مثل طلاق یا مرگ یکی از اعضای خانواده، تشنج، اضطراب، افسردگی و بیماری‌هایی که روی مغز تأثیر می‌گذارند، علائمی همچون بیش‌فعالی از خود نشان می‌دهند.

در ضمن، بین بیش‌فعالی و تحرک طبیعی باید فرق قائل شد. اگر کودکی تحرک زیادی دارد ولی فعالیت‌های خود را به درستی انجام می‌دهد و در انجام به موقع کارها توجه لازم را دارد، تحرک او طبیعی است و این کودک بیش‌فعال نیست، بلکه «پرجنب‌وجوش» است. پس برای تشخیص بیش‌فعالی باید به عملکرد کودک دقیق شد، نه تحرک او.

دلایل بیش‌فعالی

هر چند دلیل قطعی بیش‌فعالی هنوز ناشناخته است، ولی پژوهش‌ها نشان می‌دهند، علت به‌وجود آمدن بیش‌فعالی، احتمالاً ترکیبی از عوامل ژنتیکی (وراثتی) و محیطی است. از نظر ژنتیکی نقص دو میانجی شیمیایی در سیستم اعصاب مرکزی کودک می‌تواند باعث بروز این مشکل شود. از جمله عوامل محیطی هم می‌توان به این

وقتی کودک سالم سعی می‌کند روی موضوعی تمرکز کند، سرعت امواج بتا در مغزش افزایش می‌یابد، اما در کودکان بیش‌فعال این اتفاق نمی‌افتد و به جای افزایش سرعت موج بتا، موج تتا در مغزشان سرعت می‌یابد. این بدین معنی است که ذهن پر از افکار پوچ می‌شود و نمی‌تواند تمرکز کافی داشته باشد. در نوروفیدبک به کودک کمک می‌شود موج بتای خود را بالا بیاورد. در کودک تحت درمان با دارو، با پایان نیمه عمر دارو در بدن، علائم باز می‌گردند، اما زمانی که کودک می‌آموزد چگونه امواج مغز خود را کنترل کند، علائم خاموش می‌شوند و این بهبودی دائمی است. معلمان عزیز اگر خود را آماده کمک به کودک بیش‌فعال بدانند و آگاهی‌های لازم را به والدین نیز بدهند، در روند درمان کودک تأثیر بسزایی خواهند داشت. به این ترتیب، در آینده چنین کودکانی مؤثر خواهند بود.

سه نوع درمان برای بیش‌فعالی وجود دارد: الف. رفتار درمانی؛ ب. دارو درمانی؛ ج. نوروفیدبک. الف: در خیلی از موارد ممکن است با رفتار درمانی و بدون استفاده از دارو، مشکل کودک حل شود. در این موارد کمک معلمان در مدرسه و والدین در خانه می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

- به کودک محبت کنید. او به توجه و تحسین نیاز دارد؛ خواه با یک لبخند یا کلامی مهربان یا در آغوش کشیدن و نوازش کردن.

- بر نقاط مثبت او تمرکز و آن‌ها را بازگو کنید. اگر بتوانید زمانی خاص را برای او در نظر بگیرید و ارتباط چشمی بیشتری با او برقرار کنید، کمک شایانی به او کرده‌اید.

- راه‌هایی برای افزایش عزت‌نفس کودک بیابید. مثلاً این کودکان معمولاً در کارهای هنری و فعالیت‌های ورزشی بهتر عمل می‌کنند. موفقیت می‌تواند تأثیر زیادی در روند درمان داشته باشد.

- به والدین آگاهی دهید که از استراحت کافی کودکشان مطمئن شوند. خستگی علائم بیش‌فعالی را شدیدتر می‌کند.

- در مسیر کمک به او صبور باشید. صبر و آرامش شما می‌تواند به آرام شدن او کمک کند.

ب: در حالت شدیدتر این اختلال، تجویز دارو صورت می‌گیرد که حتماً باید تحت نظر روان‌پزشک باشد.

ج: نوروفیدبک یکی از مؤثرترین روش‌های درمان بیش‌فعالی است و می‌تواند جایگزین داروهای شیمیایی باشد. در نوروفیدبک با استفاده از ابزارهای الکترونیکی پیشرفته و رایانه، به کودک کمک می‌شود از آنچه در مغز او در حال رخ دادن است، آگاه شود. او می‌آموزد چگونه می‌تواند عملکردهای مغزش را تغییر دهد و در نهایت بیش‌فعالی را از بین ببرد.

هر فرد سالم، چهار دسته موج مغزی دارد: آلفا، بتا، تتا و دلتا.

موج آلفا در زمان آرامش فعالیت بسزایی دارد. موج بتا سریع‌ترین موج مغز است و در موقع توجه و تمرکز فعالیت زیادی دارد.

موج تتا زمانی که فرد در حال به خواب رفتن است یا افکار پوچ و بی‌هدف دارد، فعال است. موج دلتا کندترین موج مغز است و هنگام خواب عمیق فعال‌ترین موج است.

**اگر کودکی
تحرك زیادی
دارد ولی
فعالیت‌های خود
را به درستی
انجام می‌دهد و
در انجام به‌موقع
کارها توجه لازم
را دارد، تحرك
او طبیعی است
و این کودک
بیش‌فعال
نیست، بلکه
«پر جنب و جوش»
است**





حمایت از سرزنش شده‌ها

بزرگ‌ترین موهبت
معلمی، سروکار داشتن با
انگیزه‌های انسان‌هاست

ریحانه ایزدی

همان‌طور که در قسمت پیشین اشاره شد، انگیزش حالات درونی فرد است که موجب تداوم رفتار تا رسیدن به هدف می‌شود. انگیزش ارتباط مستقیم و مثبتی با پیشرفت تحصیلی دارد. از آنجا که هوش و استعداد تحصیلی به‌عنوان دو عامل اساسی در پیشرفت تحصیلی، کمتر تحت تأثیر معلم یا مربی واقع می‌شوند، سعی بر آن است که با افزایش انگیزش دانش‌آموزان، حداکثر بهره‌وری از هوش صورت گیرد. زیرا مشاهده شده است که از میان دانش‌آموزانی با هوش و استعداد تحصیلی یکسان، پیشرفت تحصیلی افراد با انگیزه چشمگیرتر است. بنابراین، اگرچه معلمان در تغییر هوش و استعداد تحصیلی نقش چندانی ندارند، ولی می‌توانند در بالا بردن انگیزه دانش‌آموزان نقش مؤثری ایفا کنند. نکته دیگر مفهوم انگیزش درونی و انگیزش بیرونی است که می‌تواند به تلاش‌های ما برای برانگیختن دانش‌آموزان جهت بهتری بدهد.

انگیزش درونی و بیرونی

انگیزش دو نوع است درونی و بیرونی. انگیزش درونی، همان‌طور که از نامش پیداست، بیشتر موجب رفتار خودجوش می‌شود. انگیزش درونی را می‌توان به رضایت‌خاطر و احساس خوب از یادگیری تعبیر کرد. انگیزش درونی از تمایل برای یادگیری یک موضوع، به‌خاطر علاقه ذاتی، ارضای خاطر خود، لذت و رسیدن به تسلط در آن، سرچشمه می‌گیرد، اما شدت انگیزش بیرونی، از مشوق‌ها و پیامدهای محیطی مانند پول یا پاداش ناشی می‌شود.

با اینکه گاهی استفاده از انگیزش بیرونی نیز برای برانگیختن نوجوان مفید است، اما هدف عمده فعالیت‌های پرورشی معلمان و آنچه ما تا اینجا مطرح کردیم، این است که دانش‌آموز به تدریج از انگیزش‌های بیرونی به سمت انگیزش‌های درونی هدایت شود، چرا که تقویت انگیزش درونی با ارزش است و منافع مهم زیادی برای فرد به ارمغان می‌آورد که استقامت، خلاقیت، درک مفهوم و سلامت ذهنی از آن جمله هستند.

تفاوت اساسی میان افراد دارای انگیزش درونی با افراد دارای انگیزش بیرونی این است که افراد با انگیزش درونی احساس کفایت بیشتری در خود دارند و به دیگران کمتر اجازه می‌دهند محرک رفتارشان شوند. این گروه از دانش‌آموزان، خود تعیین‌کننده رفتارشان هستند و به‌خاطر کفایتی که در خود احساس می‌کنند، باور دارند که می‌توانند با رفتارشان بر محیط تأثیر بگذارند.

دلگرم کردن، کلید انگیزش درونی است. افراد وقتی بهتر عمل می‌کنند که احساس بهتری داشته باشند. این در مورد هر کسی صدق می‌کند، اما برای نوجوانان که غالباً مورد انتقاد، سرزنش و اعتراض درباره عملکرد ضعیفشان واقع می‌شوند، مؤثرتر است. حال با توجه به اینکه انگیزش درونی، گرایش فطری پرداختن به تمایلات و به‌کار بردن توانایی‌ها و در انجام کار، جست‌وجوی چالش‌های بهینه و تسلط یافتن بر آن‌هاست، وقت آن است که دانش‌آموزان را به چالش بکشید.

۱ دانش‌آموزان را در یک موضوع «کارشناس» کنید

اگر از دانش‌آموزان بخواهید به‌طور فردی یا گروهی موضوعی را مطرح کنند، از برانگیخته شدن آنان تعجب خواهید کرد. آن‌ها برای کارشناس شدن در یک موضوع خاص، احساس هیجان و مسئولیت خواهند کرد.

واداشتن دانش‌آموزان برای طرح یک موضوع معین، هم‌کلاسی‌هایشان را نیز برای یادگیری برمی‌انگیزد. گاهی دانش‌آموزان از اینکه ببینند همیشه شما جلوی کلاس ایستاده‌اید، خسته می‌شوند، در حالی که دیدن هم‌سالانشان در حال بیان مطلب می‌تواند در تنوع کلاس مؤثر باشد.

۵ انتظارات و اهداف را روشن و بالا اما دست‌یافتنی قرار دهید

به دانش‌آموزانتان دستورالعمل‌های روشن و مثال‌هایی از تکالیف موفق ارائه دهید تا بفهمند شما از آن‌ها چه می‌خواهید. اگر آن‌ها ندانند شما واقعاً چه می‌خواهید یا چگونه در کلاس موفق می‌شوند، انگیزه خوب عمل کردنشان کاهش می‌یابد.

در ابتدای سال، اهداف، قوانین و انتظارات روشنی را فهرست کنید تا دانش‌آموزان اهدافی داشته باشند که برای رسیدن به آن‌ها تلاش کنند.

اگر از نوجوانان کارهای غیرممکن خواسته شود، ممکن است ناامید شوند و دیگر تلاش نکنند. برای داشتن انتظارات واقع‌بینانه، لازم است قابلیت و خلق‌وخوی نوجوان را مدنظر بگیرید.

اگر شما دانش‌آموزانتان را به تلاش بیشتر ترغیب نکنید، خودشان به فکر نخواهند بود. دانش‌آموزان دوست دارند به چالش کشیده شوند و تا وقتی که معتقد باشند اهداف در دسترسشان است، برای رسیدن به انتظارات بالا تلاش خواهند کرد.

جاذبه‌های یادگیری

۲

رقابت سالم به راه بیندازید

خیلی مهم است که رقابت سالم باشد. اگر فکر می‌کنید جو کلاس مستعد رقابت‌های ناسالم است و احتمال آسیب دیدن عاطفی وجود دارد، گزینه رقابت را فراموش کنید. اما اگر شرایط آماده است، از آن استفاده کنید. رقابت گاهی می‌تواند دانش‌آموزان را برانگیزد تا بیشتر بکوشند و برای رسیدن به برتری کار کنند. تلاش کنید روح دوستانه‌ای از رقابت در کلاستان ایجاد کنید.

۳

با دادن حق انتخاب، به نوجوانان اعتماد به نفس بدهید

اجازه دادن به دانش‌آموزان برای اینکه روی آنچه در کلاس اتفاق می‌افتد حق انتخاب و اعمال نظر داشته باشند، در واقع یکی از بهترین راه‌های درگیر نگه داشتن آنان است. انتخاب‌ها کمک می‌کند آن‌ها احساس کنند بر یادگیری و انگیزششان مدیریت می‌کنند.



وقتی بچه‌ها در فرایند یادگیری احساس خودمختاری داشته باشند، انگیزش بیشتری خواهند داشت و وقتی هیچ نقشی در ساختار کلاس نداشته باشند، انگیزش آنان کاهش می‌یابد. دادن حق انتخاب به شاگردان می‌تواند به سادگی اجازه دادن به آن‌ها برای انتخاب بار آزمایشگاهی‌شان باشد یا به پیچیدگی تعیین نوع یا زمان تحویل تکلیف.

۴

بازخوردهای مؤثر بدهید و فرصت‌هایی برای پیشرفت فراهم کنید

اگر می‌خواهید به دانش‌آموزان انگیزه بدهید، باید بازخورد دادن شما به آن‌ها کامل، واضح و معنادار باشد. اگر آن‌ها بفهمند نقاط قوتشان کدام است و کجا می‌توانند پیشرفت کنند، بسیار بیشتر برانگیخته می‌شوند تا اینکه تنها بازخوردی که از تکلیفشان می‌گیرند یک نمره یا یک جمله مبهم باشد. فرصت بدهید تا آن‌ها بفهمند که شما واقعاً به موقعیتشان اهمیت می‌دهید و دوست دارید کمکشان کنید تا پیشرفت کنند.

دانش‌آموزان ممکن است گاهی احساس ناکامی کنند و از خودشان ناامید شوند. این احساس انگیزش را کاهش می‌دهد. در این شرایط، ضروری است معلمان به دانش‌آموزان کمک کنند تا بفهمند دقیقاً کجا اشتباه کرده‌اند و چگونه می‌توانند پیشرفت کنند.



۶

چالش را متعادل سازید

دانش‌آموزان وقتی بهترین عملکرد را دارند که دشواری تکلیف کمی بالاتر از سطح توانایی‌شان باشد. اگر تکلیف خیلی آسان باشد، ملال‌آور می‌شود و ممکن است رساننده پیام انتظار پایین از آن‌ها یا این حس باشد که معلم معتقد است دانش‌آموز توان کار بهتر را ندارد. برعکس، تکلیفی هم که خیلی دشوار باشد ممکن است دست‌نایافتنی به نظر برسد و اضطراب ایجاد کند.

۷

پیشرفت دانش‌آموز را پیگیری کنید

دانش‌آموزان را هدایت کنید بر پیشرفتشان تمرکز کنند. تمایل نوجوانان به مقایسه خود با همسالانشان که با نمره و امتیاز تشدید می‌شود، بر انگیزششان تأثیر منفی می‌گذارد. به دانش‌آموزان کمک کنید برای یادگیری خود اهدافی تعیین کنند، سپس آن‌ها را برای تمرکز بر پیشرفتشان هدایت کنید. به این ترتیب میزان انگیزش آن‌ها را افزایش می‌دهید.



از تولد تا
دانشگاه

محمد معین در رشت متولد شد (۱۲۹۳ شمسی). شش سال داشت که به فاصله پنج روز، پدر و سپس مادرش چشم از جهان بر بستند و او را با برادر کوچکش تنها گذاشتند؛ ناگزیر پدر بزرگ آن‌ها **محمد تقی معین‌العلماء** که روحانی بصیر و روشن‌اندیشی بود، سرپرستی دو نوه خردسال را به عهده گرفت. معین تا کلاس پنجم دبیرستان را در رشت گذراند. سپس اداره معارف گیلان، او و چند دانش‌آموز دیگر را که مثل معین ممتاز بودند انتخاب کرد و با هزینه دولتی به تهران فرستاد تا در دارالفنون به تحصیل ادامه دهند. معین دیپلم خود را با رتبه ممتاز گرفت و سپس وارد دارالمعلمین عالی شد و در رشته فلسفه و زبان و ادبیات فارسی به تحصیل ادامه داد. وی چنان با علاقه و جدیت درس خواند و به‌خصوص در زبان فرانسه پیشرفت کرد که در سال سوم توانست در حضور استاد زبان فرانسه، درباره **لرد بایرون**، شاعر انگلیسی، سخنرانی کند. پایان‌نامه لیسانس خود را نیز به زبان فرانسه درباره شاعر فرانسوی **لوکنت دولیل** نوشت و از آن دفاع کرد و فارغ‌التحصیل شد.

آغاز
معلمی

پس از گذراندن یک سال دوره سربازی، چون معلم شده بود، او را با سمت دبیر دبیرستان‌ها به اهواز فرستادند و معین در دبیرستان شاهپور مشغول تدریس شد. هنوز سه ماه بیشتر نگذشته بود که لیاقت و شایستگی او به ظهور رسید و لذا وی را به ریاست دانش‌سرای مقدماتی اهواز منصوب کردند. معین چهار سال در اهواز بود. در این دوره چهار ساله، ضمن انجام کارهای موظف خود از طریق مکاتبه با مؤسسه روان‌شناسی بروکسل (بلژیک) علوم روان‌شناسی عملی (بالینی) و رشته‌های مرتبط با آن از قبیل خط‌شناسی، قیافه‌شناسی و مغزشناسی (عصب‌شناسی) را نیز فراگرفت. به‌ویژه که در همان دو سه سال اقامت در خوزستان هشت رساله دیگر مانند گنجینه شوش و داستان هاروت و ماروت یا خرداد و امرداد را نیز تألیف کرده بود.

در سال ۱۳۱۴، یعنی سال اول اقامت معین در اهواز، وزارت معارف نوشتن مقاله‌ای را با عنوان «چگونه توجه شاگردان را به درس جلب می‌کنید؟» به مسابقه گذاشت و جایزه آن را ۲۰۰ ریال کتاب قرار داد. از میان آموزگاران آن زمان، جبار باغچه‌بان و از میان مدیران محمد معین جایزه اول را ربودند.

معین
ادب

جعفر ربانی
تصویرگر: علی شفیع آبادی

مقام و منزلت شادروان دکتر محمد معین، در زبان و ادبیات فارسی، آن چنان والا و ارجمند است که زندگی معلمی و معلم‌پروری او را تحت الشعاع قرار داده است. کمتر کسی می‌داند که معین دانش‌آموخته دارالمعلمین عالی بود، ریاست دانش‌سرای مقدماتی اهواز را بر عهده داشت و چندی نیز رئیس دانش‌سرای مقدماتی و دبیر دانش‌سرای عالی در تهران بود. پس از آن هم، وقتی به دانشگاه راه یافت، دمی از آموختن و آموزاندن، چه در کلاس‌های درس و چه از طریق تألیف و تحقیق، نیا سود تا در اوج شکوفایی و ثمردهی، دست تقدیر او را از کار بازداشت و سرانجام جان‌ش را گرفت. در این نوشتار نگاهی داریم به زندگی او.

بازگشت به تهران

معین پس از چهار سال، به توصیه دکتر عیسی صدیق به تهران انتقال یافت و ضمن تصدی معاونت دانش سرای

مقدماتی تهران، به دبیری یا استادی دانش سرای عالی نیز منصوب گردید. وی که یک لحظه از کار و تلاش باز نمی ایستاد، دو سال بعد، در امتحان ورودی دکترای زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شد و با پیشی گرفتن از دیگر دانشجویان، با نوشتن رساله یا پایان نامه‌ای با عنوان «مزد یسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی» و دفاع از آن، نخستین کسی بود که در این رشته فارغ التحصیل شد و نام خود را به عنوان اولین دکتر در زبان و ادبیات فارسی ثبت کرد (۱۳۲۱).

از آن پس، به طور تمام وقت به دانشگاه تهران انتقال یافت و به زودی در مقام یکی از استادان برجسته دانشکده زبان و ادبیات فارسی، به شهرت رسید.

مقاله معین

و اما مقاله معین. معین در این مقاله هشت مطلب مهم را تحت عنوان «تکات لازم» شرح می دهد که در اینجا تنها پنج عنوان از این مطالب را می آوریم:

۱. حتی المقدور موضوعات دروس را بعینه [از طریق مشاهده] باید در کلاس حاضر کرد. اتاق های مخصوص نقاشی، طبیعی، جغرافی و زمین شناسی با آلات و لوازم مخصوص و...
۲. در تدریس حساب و هندسه... باید مثال ها مربوط به امور نزدیک و محسوس باشد و امثله آن ها وابسته به زندگانی ساده معمول انتخاب شود.
۳. تدریس باید تعادل ترقی و تکامل قوای دماغی و بدنی را توأم داشته باشد... درس آموزگار باید متنوع باشد نه یکنواخت.
۴. خود شاگردان را در درس باید شریک کرد (تدریس مشارکتی).
۵. افکار و معلومات هر قدر بیشتر تحریک قوای دماغی کند و هر قدر بیشتر به معلومات قبلی وابسته باشد همان اندازه بیشتر جلب توجه می کند و بهتر در حافظه می ماند.

کمتر کسی می داند که معین دانش آموخته دارالمعلمین عالی بود، ریاست دانش سرای مقدماتی اهواز را برعهده داشت و چندی نیز رئیس دانش سرای مقدماتی و دبیر دانش سرای عالی در تهران بود

معین و نیما یوشیج

ضروری است در اینجا اشاره ای به وصیت شگفت انگیز **نیما یوشیج**، که معین را در جمع آوری و سامان دادن

به آثار خود وصی خویش قرار داد، داشته باشیم. وصیتی که معین پذیرفت و آن را به انجام رساند. عباراتی از وصیت نامه نامتعارف نیما چنین است: «... بعد از من هیچ کس حق دست زدن به آثار مرا ندارد به جز دکتر محمد معین، اگر چه او مخالف ذوق من باشد. دکتر محمد معین حق دارد در آثار من کنجکاو ی کند. ضمناً دکتر **ابوالقاسم جنتی عطایی** و **آل احمد** با او باشند.» و ادامه می دهد: «... دکتر محمد معین مثل صحیح علم و دانش است... دکتر محمد معین که هنوز او را ندیده ام مثل کسی است که او را دیده باشم... دکتر محمد معین قیّم [من] است، ولو اینکه شعر مرا دوست نداشته باشد.»

آغاز حیات جاوید

دکتر معین در آذرماه ۱۳۴۵، روز بعد از بازگشت از یک سفر علمی خسته کننده ترکیه، در اتاق استادان

دانشگاه تهران، ناگهان به زمین افتاد و به اغما رفت. انجام یک عمل اشتباه در درمان او - توسط پزشکان - سبب شد دچار مرگ مغزی شود که تا پنج سال به طول انجامید و سرانجام در روز یکشنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۵۰ در بیمارستان فیروزگر تهران درگذشت. پیکر او را به شهر آبا و اجدادی اش آستانه اشرفیه بردند و در آرامگاه خانوادگی که چند سال پیش از آن، خود معین و برادرش مهندس **علی معین** در جوار امامزاده **سید جلال الدین اشرف** ساخته بودند، به خاک سپردند. روانش شاد باد.

همسر شادوران دکتر معین، خانم **مهین امیرجاهد** بود که وی نیز در سال ۱۳۹۲ به رحمت ایزدی پیوست. اکنون تنها بازمانده آن معلم سترگ خانم **مهدخت معین** فرزند اوست که در تنظیم، تدوین و انتشار آثار پدر می کوشد.

* منابع

۱. نصری، عبدالله (۱۳۶۴). کارنامه دکتر معین. انتشارات امیرکبیر. تهران. چاپ دوم.
۲. ماهنامه آموزش و پرورش. ویژه بزرگداشت معلم. مهر ۱۳۷۵. دفتر انتشارات کمک آموزشی. تهران.

وام‌هوشمند به معلمان

کافی است سیم‌کارت شما
به شبکه وصل باشد

کتابیون رجیبی‌راد



جامعه‌شناسی در مدرسه بمانم. اما فکر اینکه در دفتر دبیران به آن شلوغی استراحت کنم، برایم غیرقابل تحمل شده بود. به دفتر مدیر رفتم و به او گفتم که می‌خواهم درباره موضوع جدیدی با او صحبت کنم. حدود یک ساعتی را که قرار بود نهار بخورم به گفت‌وگو با مدیر اختصاص دادم. باور کنید آن قدر طرح این موضوع برایم حیاتی بود که فراموش کردم گرسنه‌ام. در آن گپ و گفت، غیرمستقیم به امکاناتی که دانش‌آموزان در اختیار دارند اشاره و درباره اینکه معلمان به عنوان راهنمایان آموزشی و تربیتی بچه‌ها باید از نسل جدید پیشی بگیرند، با مدیر صحبت کردم. تا اینجای کار به نظر نمی‌رسید که خانم مدیر قانع شده باشد، اما وقتی گفتم از طریق این شبکه‌ها اطلاع‌رسانی شما به دبیران هر گروه، در مدرسه‌ای با این وسعت، می‌تواند به‌طور رایگان انجام گیرد، تازه چشمانش برق زد و بعد از کمی تأمل، سؤال کرد: «واقعاً این حجم از اطلاعات را چگونه می‌توان به‌طور رایگان به دیگران ارسال کرد؟»

- ببینید خانم مدیر! کافی است سیم‌کارت مورد استفاده شما به خدمات اینترنتی دسترسی داشته باشد. همین کافی است تا بتوانید یک گروه بسازید، مثل گروه جامعه‌شناسی، گروه زبان و... به این ترتیب، می‌توانید اطلاع‌رسانی به دبیران و حتی خانواده‌ها را از این طریق انجام دهید. حتی

کلاس‌ها شلوغ و پرجمعیت،
زنگ تفریح و حیاط،
سروصدای ششصد دانش‌آموز، و
هیاهوی دفتر دبیران از همه آزاردهنده‌تر

دبیرستان ما کلاس‌های زیادی داشت؛ در هر پایه حداقل شش کلاس، بنابراین معلمان زیادی هم داشت. وجود معلمان هم‌گروه باعث شده بود همکاران در زنگ تفریح، به جای استراحت در دفتر، با هم گروهی‌های خود به بحث و مباحثه درباره درس‌های مشترکشان بپردازند؛ هرچند گاهی هم با دبیران درس‌های دیگر درباره دانش‌آموزان مشترکشان مشورت می‌کردند.

با این وضع، دیگر دفتر دبیران جایی برای استراحت در زنگ تفریح نبود. از طرف دیگر، نامه سحر - دانش‌آموز پایه دوم انسانی - آن قدر مرا تحت تأثیر قرار داده بود که شبانه‌روز به توضیحات او درباره قابلیت‌های شبکه اجتماعی مجازی فکر می‌کردم. البته من هم مثل سحر دغدغه هم‌داستان نشدن همکاران و مسئولان مدرسه را با این شبکه‌ها و بلکه تمایل به مخالفتشان را داشتم، اما می‌خواستم همکارانم را از وجود این شبکه‌ها آشنا کنم.

یک روز سخت کاری را تا ظهر گذرانده بودم و قرار بود تا پایان روز هم برای جلسه گروه دبیران

می‌توانید برای سندیت بیشتر، صدای خودتان را هم ضبط و ارسال کنید. به‌خصوص در شرایطی که در سفر هستید یا با همکاران یا دانش‌آموزان به اردو رفته‌اید، می‌توانید فیلمی از خود بگیرید و طی آن سفارشات لازم را به افراد داخل مدرسه یا گروه‌های دبیران بکنید. بنابراین، درحالی که حضور شما در مدرسه الزامی نخواهد بود، کارها طبق برنامه و خواست شما پیش خواهد رفت.

- خوب به این ترتیب همه می‌توانند از آن استفاده کنند، به شرط آموزش؟

- آموزش چندانی نمی‌خواهد. البته فقط کسانی می‌توانند عضو این شبکه‌ها شوند که برنامه‌اش را در گوشی خود داشته باشند و فقط گوشی‌های مجهز به برنامه اندروید و مک‌اینتاش می‌توانند این برنامه‌ها را داشته باشند.

- پس این برنامه به‌خودی‌خود منتفی است.
- به‌نظرم این‌طور نیست. با یک سبک و سنگین کردن حساب و کتاب هزینه‌های جاری مدرسه، می‌شود بر این مشکل هم فائق شد.
خانم مدیر که با چشمان گرد به من نگاه می‌کرد، تعجبش را به من فهماند و از من توضیح خواست. در جواب او گفتم: یادم هست که یک بار در جلسه دبیران گفتید ماهیانه هزینه‌های میلیونی بابت برق، تلفن، کپی، کاغذ و نظایر آن می‌پردازید. از طرف دیگر می‌دانیم که همه دبیران توان خرید گوشی‌هایی را که بشود این برنامه شبکه‌های مجازی را در آن‌ها دانلود کرد، ندارند. چقدر خوب است بیاییم و برای بلندمدت فکر کنیم: پول‌هایی را که برای هزینه‌های جاری مدرسه در نظر می‌گیریم و هیچ وقت به صندوق مدرسه بر نمی‌گردند، به وام اختصاص دهیم؛ وامی به همکاران تا از این گوشی‌ها خریداری کنند؛ به شرط آنکه خودشان برای بهبود شرایط اطلاع‌رسانی مدرسه از آن استفاده کنند و همیشه در دسترس باشند.

به مدیر گفتم: پول این وام‌ها نه تنها دوباره به صندوق مدرسه بازخواهد گشت و از هزینه‌های مدرسه به میزان قابل ملاحظه‌ای کاسته خواهد شد، بلکه دلگرمی این همه نیروی انسانی مدرسه که به‌عنوان معلم در خدمت شما هستند، خودش انرژی چندانی را به مدرسه تزریق خواهد کرد. بعد ادامه دادم: از این رهگذر، شما می‌توانید هم از داخل و هم از خارج مدرسه به‌طور موازی به اداره امور بپردازید. البته شنیده‌ام که تمام اطلاعات

ردوبدل شده، در پایگاه داده‌ای تولیدکنندگان این نرم‌افزارها ذخیره می‌شود، بنابراین بهتر است ملاحظات لازم انجام شود تا سوءتعبیری نسبت به مدرسه ایجاد نشود یا اطلاعاتی که موانع شرعی - عرفی یا اطلاعاتی - امنیتی ایجاد می‌کنند، از این طریق ارسال نشود.

تا دو سه جمله آخر ماجرا، خانم مدیر آن‌قدر از این قضیه راضی به‌نظر می‌رسید که با خودم می‌گفتم همین الان تصمیم به اجرای چنین کاری خواهد گرفت، اما با همان دو سه جمله آخر درباره تهدیدات، کم‌کم داشت عطای این برنامه را به لقایش می‌بخشید که من دوباره پیشنهاد کردم: خوب، شما اول این طرح را به‌صورت پایلوت یا نمونه با تعدادی از دبیران که از این گوشی‌ها دارند امتحان کنید، بعد اگر از نتایج آن راضی بودید آن را برای همه دبیران به‌کار ببرید.

سر تأیید را که پایین آورد، خیالم راحت شد. اما حالا وقتش نبود درباره این شبکه و استفاده دانش‌آموزان از آن با او گفت‌وگو کنم. باید اول خانم مدیر خودش این برنامه را تجربه می‌کرد تا بعد درباره‌اش با هم حرف بزنیم. این شد که گفتم:
- یک موضوع مهم دیگر هم هست که به آشنایی شما با این شبکه‌های اجتماعی مجازی بستگی زیادی دارد. اگر شما هم زودتر عضو بشوید، درباره‌اش خواهیم گفت.

دو سه روزی گذشت تا خانم مدیر به من بازخورد تأیید کامل را بدهد. پنجشنبه، اولین جلسه شورای دبیران سال تشکیل می‌شد. خانم مدیر از من خواست به‌عنوان دبیر جلسه، این موضوع را در شورا مطرح کنم، اما من در جواب گفتم:
- قبول می‌کنم ولی اگر اجازه بدهید، من خودم در جلسه حضور نداشته باشم!
- یعنی چه! پس چطور قبول کردی؟!
- این یعنی من بروم منزل و از آنجا در جلسه شرکت کنم.

- چطور این کار را می‌کنی؟!
- با یکی از دبیران که عضو این شبکه‌هاست، صحبت کرده‌ام. هم‌زمان از او اطلاعات جلسه را می‌گیرم و نظرم را ضبط می‌کنم و می‌فرستم.
- باشد. برای نمونه اجرایی خیلی هم خوب است. آن روز به‌جای اینکه در مدرسه بمانم، زودتر از موعد به منزل رسیدم. وقتی را که باید تا شروع جلسه در مدرسه هدر می‌دادم، به استراحت

**پول این وام‌ها
دوباره به صندوق
مدرسه باز
خواهد گشت
و از هزینه‌های
مدرسه به میزان
قابل ملاحظه‌ای
کاسته
خواهد شد**



**قرار شد من
از منزل به طور
مجازی در جلسه
شورای دبیران
حاضر باشم.
همکاران
خانم میری هم
زحمت کشیدند
صحبت های
جلسه را
ضبط کردند و
برایم فرستادند**

پرداختم و رأس ساعت شروع جلسه، با یک چای گرم، سرحال پای گوشی تلفن همراهم نشسته بودم. از قضا آن روز دبیران از درس نخواندن بعضی از دانش آموزان گله و شکایت داشتند، در حالی که همان دانش آموزان، فعالان کلاس مجازی و سپس کلاس های مدرسه شده بودند. من که درست مدتی پیش با این مسائل درگیر بودم و طی پیامی نوشتاری برای دوستانم، کاری را که برای بچه ها انجام داده بودم، فرستادم، از او خواستم عین آن پیام را برای همکاران بازگو کند، اما او که فردی خجالتی و کمرو بود، امتناع کرد. بنابراین، دست به کار شدم و فایل صوتی خودم را در حالی که با شور و شوق توضیح داده بودم، برایش ارسال کردم. او هم به خاطر قولی که به من داده بود، نوبت گرفت و گفت:

خانم مدیر ببخشید، خانم **رجبی راد** هم یک نظر دارند. می خواهند صحبت کنند.
طبق توضیحاتی که بعداً خودش به من داد، همکاران حاضر در شورا به قدری تعجب کرده بودند که ناگهان همگی با هم چشم چرخانده بودند ببینند من کجای جلسه نشسته یا پنهان شده ام! پیام صوتی من این بود: «سلام به همه همکاران خوبم! جای شما خالی! در خانه نشسته ام و در حال نوشیدن چای هستم. بفرمایید چای! طبق صحبتی که با خانم مدیر داشتم...»

در همین حال چشمان همکارانم به جای گوشی تلفن همراه به سمت خانم مدیر چرخیده بود و در حالی که گوششان تیزتر از قبل شده بود به بقیه صحبت ها گوش داده بودند:

«... با خانم مدیر قرار شد من از منزل به طور مجازی در جلسه شورای دبیران حاضر باشم و همکاران خانم **میری** هم زحمت کشیدند صحبت های جلسه را ضبط کردند و در حین بحث برایم فرستادند. من هم گوش دادم و خواستم سلامی عرض کرده باشم. ضمناً بگویم، بنده هم مدتی است با مشکل جذاب نبودن درس ها برای دانش آموزان مواجه شده ام و البته راهی هم برای آن پیدا کرده ام...»

صحبتم این طور ادامه یافت: «... این اواخر متوجه شدم که دل مشغولی جدیدی بچه ها را به سمت خود کشانده است که آرام آرام دارند با درس هایشان فاصله می گیرند. شبکه های اجتماعی مجازی جای

بسیار خوبی بین بچه ها پیدا کرده است. بنابراین، اول لازم دانستم با آن شبکه ها آشنا شوم. با هر زحمتی شده بود گوشی ام را عوض کردم تا بتوانم عضو یکی از همین شبکه ها باشم. در این شبکه ها قابلیت های انتقال داده، از تصویر و صدا و فیلم مرا شگفت زده کرد. سرعت انتقال اصلاً به حجم داده بستگی ندارد، بلکه به سرعت اینترنت مربوط می شود. نحوه استفاده از این فناوری را همین دانش آموزان من و شما دارند سامان می بخشند؛ در حالی که سامان دهی چنین رسانه ای را، آن هم در این حد از جذابیت، باید نخست ما آموزگاران و دبیران در اختیار بگیریم و برای آن سبک بسازیم. رایگان بودن اطلاع رسانی، از مزیت های این شبکه هاست. قابل نصب بودن برنامه آن روی گوشی تلفن های همراه هم از دیگر مزایای آن است.

اما این را هم بگویم که در هنگام عضویت از شما سؤال می کنند که «آیا اجازه می دهید یک نسخه از تمام اطلاعات رد و بدل شده شما را ذخیره کنیم؟» و تنها در صورت مثبت بودن جواب، اجازه عضویت دارید. یعنی در ازای ارائه سرویس رایگان، اطلاعات شما را جمع آوری می کنند. بنابراین فرد باید مراقب اطلاعاتی که منتقل می کنند باشد. اما در کل، اگر از آن درست استفاده شود، نفعش بیشتر از ضررش است. همین جا عرضم را تمام می کنم. امیدوارم تمام دبیران به این فکر کنند که چطور می توانند برای فعال کردن ذهن دانش آموزان نسبت به مفاهیم درسی خودشان از این شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان رسانه ای جدید و جذاب استفاده کنند.»

همکارم خانم میری پس از پخش صدای من، باز هم گفت و گو و نظرات همکاران را برایم ضبط کرد و فرستاد. ظاهراً همه آن قدر خواهان عضویت در این شبکه ها شده بودند که برخی از اینکه نمی توانند فعلاً گوشی جدیدی تهیه کنند، کلی اظهار تأسف کرده بودند.

اینجا بود که خانم مدیر برای جمع بندی جلسه وارد میدان شد و گفت:

– یک خبر خوش هم من به شما بدهم و آن اینکه برای خرید گوشی تلفن همراه به شما وام می دهیم.

این خبر مثل بمب توی مدرسه صدا کرد. حتی دبیرانی که در شورای ماهانه شرکت نکرده بودند، جویای قضیه و درخواست کننده وام شدند.

انتظار برای جایزه و قهرمانی

شاخص‌های حرفه معلمی در استرالیا

دکتر نیره شاه‌محمدی



الف. ابعاد شغلی

ابعاد شغلی یا صلاحیت‌های عمومی شغل معلمی در استرالیا عبارت از ویژگی‌های عمومی مشترک بین معلمان کلیه دوره‌های تحصیلی است که کسب آن ضرورت دارد. (باید دانست که در بند ۲-۱۰ از راهبردهای عملیاتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران نیز بر استقرار نظام صلاحیت‌های عمومی و تخصصی و تعیین ملاک‌های ارزیابی و ارتقای مرتبه علمی و تربیتی معلمان اشاره شده است). به هر حال، ابعاد شغلی یا صلاحیت‌های عمومی مذکور شامل این موارد می‌شوند:

داشتن مدرک معلمی

چارچوب استانداردهای حرفه معلمی در استرالیا به شناسایی و بازشناسی ویژگی‌های

شاخص‌ترین و ممتازترین مؤلفه هر نظام تربیتی «معلم» است که بنیانی برای رویارویی با چالش‌ها و بحران‌های حال و آینده نظام آموزشی محسوب می‌شود. صاحب‌نظران نظام آموزشی استرالیا معتقدند، اساسی‌ترین عامل برای نیل به هدف‌های آموزشی، معلم است. معلمان نقطه آغاز هر تحول در نظام آموزش و پرورش‌اند و قادرند با دانش و مهارتی که کسب کرده‌اند، چهره نظام آموزشی کشور را دگرگون سازند.

در استرالیا، توسعه دانش، مهارت و نگرش معلمان در طول زندگی حرفه‌ای آنان انجام می‌پذیرد، اما این توسعه فرایندی خطی و ساده نیست. هنگامی که معلمان پا به عرصه حرفه‌ای آموزش می‌گذارند، در سطوحی از تجربیات کاری، دانش قبلی، آمادگی حرفه‌ای و کار در زمینه‌های گوناگون قرار دارند. در چنین شرایطی، توسعه حرفه‌ای آنان باید به‌طور نظام‌مند طراحی، حمایت، بودجه‌بندی، اجرا و ارزیابی شود. این نظام در صورت طراحی و اجرای درست، به ارتقای اثربخشی معلمان می‌انجامد.

نمودار پیش‌رو، ابعاد شغلی و عناصر حرفه‌ای یعنی استانداردهای رشد حرفه‌ای معلمان در استرالیا را نشان می‌دهد.

**معلمان از
آخرین تحولات
آموزش و پرورش
مطلع هستند و
می‌توانند آن را
در محیط کلاس و
سایر محیط‌های
یادگیری
به کار گیرند**

معلمان فارغ التحصیل از دانشگاه، در بدو شروع به کار لازم است در دوره‌های آموزشی بدو خدمت مرتبط با حوزه کاری خود شرکت کنند تا دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌های ضروری برای مدیریت موفق کلاس درس و هدایت درست یادگیری دانش‌آموزان را کسب نمایند



خاص فارغ التحصیلان رشته آموزش و پرورش کمک می‌کند؛ ویژگی‌هایی که معلمان تازه‌کار را از معلمان حرفه‌ای مجزا می‌کنند. البته گرچه شرط اصلی و ضروری برای ورود به حرفه معلمی داشتن مدرک تحصیلی است نه تجربه عملی، اما تجربه عملی عنصری لازم برای آمادگی در تدریس و آموزش است. فارغ التحصیل رشته معلمی با متخصصی توانمند و شایسته تفاوت دارد. معلمان فارغ التحصیل از دانشگاه، در بدو شروع به کار لازم است در دوره‌های آموزشی بدو خدمت مرتبط با حوزه کاری خود شرکت کنند تا دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌های ضروری برای مدیریت موفق کلاس درس و هدایت درست یادگیری دانش‌آموزان را کسب نمایند. در عین حال، خود نیز به یادگیری مادام‌العمر در زمینه کار و حرفه خود مشغول می‌شوند و از طریق این آموزش‌ها به نقاط ضعف و نیازهای آموزشی خود پی می‌برند. همچنین، در فرایند کار حرفه‌ای خود با همکارانشان مشاوره می‌کنند و در فرایند آموزش و تدریس از آن‌ها کمک می‌گیرند (راهکار ۳-۱۱/ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران نیز به ایجاد نظام بازآموزی مستمر علمی و تسهیل ادامه تحصیل معلمان اشاره دارد).

شایستگی

چارچوب استانداردهای حرفه معلمی بر شایستگی‌هایی دلالت دارد که هر معلم قبل از ورود رسمی یا غیررسمی به شغل معلمی لازم است آن‌ها را کسب کند. براساس این استانداردها، معلمان افرادی شایسته، ماهر و با صلاحیت هستند، تجربیات موفق آموزشی دارند، به‌طور مؤثری بر یادگیری دانش‌آموزان نظارت دارند و آن را برنامه‌ریزی و ارزشیابی می‌کنند. آن‌ها توانایی سازماندهی برنامه‌های آموزشی را برای پاسخگویی به‌موقع به نیازهای فردی و گروهی دانش‌آموزان دارند. معلمان با صلاحیت و شایسته، سابقه‌ای از آموزش‌های مرتبط با شغل خود دارند، و برای بالابردن تجربیات حرفه‌ای خود و ارتقای سطح کیفی مدرسه‌شان با سایر همکاران و اعضای مدرسه همکاری می‌کنند (در راهکار ۱۲-۱۱ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران نیز بر به‌کارگیری نیروهای متعهد، توانمند و مجرب تأکید شده است).

کسب موفقیت

براساس چارچوب استانداردهای حرفه معلمی، در استرالیا از معلمان انتظار می‌رود در سطح مدرسه،

محل، منطقه، ملی و بین‌المللی، به موفقیت‌هایی چون کسب مقام و رتبه در جشنواره‌های علمی، آموزشی، دریافت جایزه در ارزشیابی‌های ملی و منطقه‌ای دست یابند (راهکار ۳-۱۱/ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر ایجاد سازوکارهای لازم برای جذب و نگهداشت استعدادها برتر به حرفه معلمی و راهکار ۴-۱۸ نیز به استفاده بهینه از دانش و تجربه نخبگان و پیشکسوتان آموزش و پرورش اشاره دارد).

رهبری

چارچوب در نظر گرفته شده برای شایستگی حرفه‌ای معلمان، به شناسایی افراد حرفه‌ای موفق و کارآمد به‌عنوان رهبر و الگوی سایر معلمان کمک می‌کند. افرادی که از توانایی، تمایل و ظرفیت به کارگیری دانش حرفه‌ای در جهت کمک و هدایت دیگران برخوردارند، در صورت نیاز، دانش حرفه‌ای خود را تغییر می‌دهند یا آن را به دانش‌آموزان و سایر معلمان منتقل می‌کنند، کیفیت آموزش و یادگیری را بالا می‌برند. این معلمان از آخرین تحولات آموزش و پرورش مطلع هستند و می‌توانند آن را در محیط کلاس و سایر محیط‌های یادگیری به کار گیرند. آن‌ها از مهارت بالای رهبری و ارتباط بین‌فردی برخوردارند و به‌منظور دریافت حمایت برای بهبود مدرسه و تقویت یادگیری دانش‌آموزان، با جامعه ارتباط مؤثر برقرار می‌کنند.

ب. عناصر حرفه‌ای

در استرالیا دسته‌بندی عناصر حرفه‌ای شغل معلمی از طیف وسیعی از فعالیت معلمان به‌دست آمده است. اجزای این دسته‌بندی به هم مرتبط هستند و هم‌پوشانی دارند، زیرا در عمل هیچ‌یک از فعالیت‌های معلمان از سایر فعالیت‌های او مجزا نیستند (راهکار ۷-۱۱/ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر افزایش توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان به شکل فردی و گروهی تأکید دارد).

دانش

معلمان لازم است از دانش موضوعی، اصول و نظریات رشته حوزه تدریس خود آگاه باشند، بتوانند بین موضوع تدریس و سایر علوم ارتباط برقرار کنند و فعالیت‌های مرتبط با آن را طراحی کنند، شیوه‌های تدریس مؤثر و اثربخش را بدانند، و نیازها (آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و عاطفی)، علاقه‌ها، توانایی‌ها و مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را بشناسند. آن‌ها لازم است با نقش، اهمیت و انواع

**معلمان
باصلاحیت و
شایسته، سابقه‌ای
از آموزش‌های
مرتبط با شغل
خود دارند،
برای بالا بردن
تجربیات حرفه‌ای
خود و ارتقای
سطح کیفی
مدرسه‌شان با
سایر همکاران و
اعضای مدرسه
همکاری می‌کنند**

ابزارها و شیوه‌های ارزشیابی (مانند شفاهی، کتبی، مشاهده و...) آشنا باشند و بدانند کی و کجا آموزش و تدریس را ارزیابی کنند. همچنین، ضمن آگاهی از نظریات یادگیری، آن‌ها را به‌طور منتقدانه‌ای ارزیابی کنند و بدانند در کجا و چگونه آن‌ها را به‌کار برند (در بند ۲-۴ از اصول ناظر بر برنامه درسی ملی ایران، بر ویژگی‌های معلمان مانند زمینه‌سازی رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان، شناخت و بسط ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی تأکید شده است).

تجربیات

براساس این استانداردها، معلمان لازم است اهداف یادگیری را به روشنی تدوین کنند، از فنون تحقیق، پژوهش و راهبردهای آموزشی در کار حرفه‌ای خود استفاده کنند (راهکار ۱-۲۳ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش استفاده از ظرفیت‌های موجود برای گسترش فرهنگ تفکر و پژوهش در بین معلمان را مطرح می‌کند)، ابزارها، فعالیت‌ها و منابع آموزشی متنوعی را برای فعال کردن دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری به‌کار برند و محتوای آموزشی را به‌طور منطقی در جهت دستیابی به اهداف آموزشی سازمان‌دهی کنند. چنین معلمانی موقعیت آموزشی را به روشی که رفتار درست و مناسب را در دانش‌آموز تقویت کند، مدیریت می‌کنند. به سلامت، امنیت و رفاه دانش‌آموزان توجه می‌کنند، از انواع ارزشیابی‌های تدریجی و پایانی برای ارزیابی آموخته‌های دانش‌آموزان استفاده می‌کنند، از نتایج ارزشیابی در فرایند تدریس و کلاس درس استفاده می‌کنند، به دانش‌آموزان در خودسنجی و خودارزیابی کمک می‌کنند، از روش‌های متنوعی مانند نمایش، سخنرانی، کار گروهی، پرسش و پاسخ، پروژه و... در تدریس خود استفاده می‌کنند و فرصت‌هایی را به‌وجود می‌آورند تا دانش‌آموزان دانش و مهارت کسب شده خود را به نمایش بگذارند. با بهره‌گیری از راهبردهای آموزشی و مدیریت کلاس، محیط کلاس و چینش آن را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنند که دانش‌آموزان در آن احساس امنیت کنند.

ارزش‌ها

معلمان لازم است نسبت به رشد و توسعه حرفه‌ای خود متعهد باشند، تجربیات حرفه‌ای خود را ارزیابی، تحلیل و تقویت کنند، ارزش همکاری نزدیک با والدین و صاحبان مشاغل در زمینه آموزش و پرورش دانش‌آموزان را بدانند و بر

این باور باشند که آموزش و پرورش کار مشترک همه گروه‌های درگیر است. از اخلاق حرفه‌ای بالایی (با توجه به رفتار خود و دیگران) برخوردار باشند و به دانش‌آموزان و ارزش‌های آن‌ها احترام بگذارند. الگوی مورد انتظار رفتاری در کلاس درس را برای دانش‌آموزان ترسیم و آن را در رفتار خود نیز منعکس کنند، برای سلامت و تندرستی دانش‌آموزان ارزش قائل شوند، نسبت به عقاید شخصی، نیازهای یادگیری، علاقه‌ها و احساسات دانش‌آموزان حساس باشند و به درستی به آن‌ها پاسخ دهند (بند ۲-۴ برنامه درسی ملی آموزش و پرورش به نقش معلم به‌عنوان اسوه، امین و بصیر دانش‌آموزان اشاره می‌کند و او را راهبر فرایند یاددهی-یادگیری می‌داند).

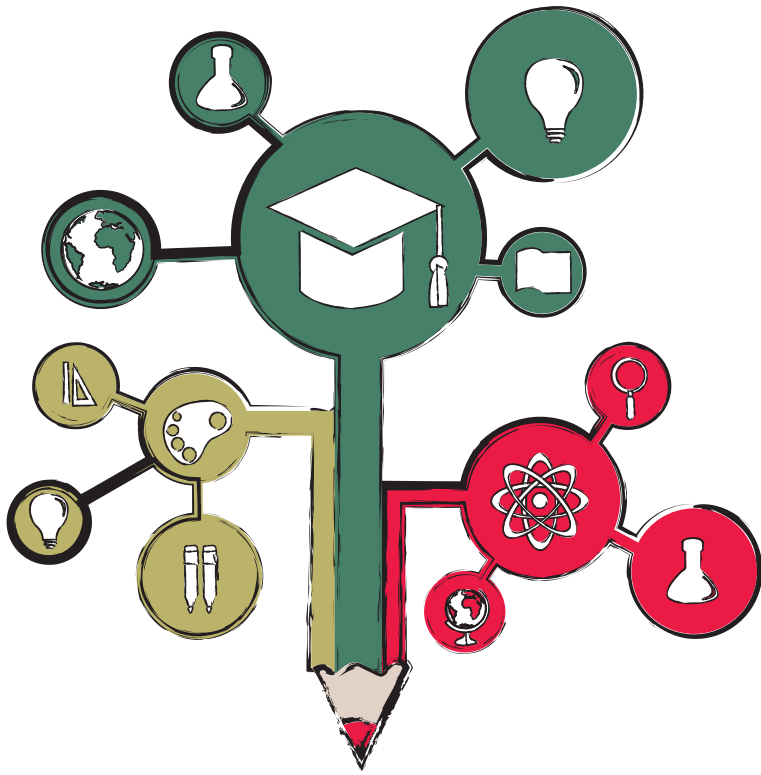
ارتباط

معلمان لازم است با دانش‌آموزان خود ارتباط مؤثر برقرار کنند. از آنجا که در استرالیا معلمان با گروه‌های دانش‌آموزی از طبقات اجتماعی، فرهنگی و نژادهای متفاوتی روبه‌رو هستند، ضرورت دارد از طریق برقراری ارتباط حرفه‌ای با سایر همکاران و مشاوره گرفتن از آن‌ها با این تفاوت‌ها و مشکلات حاصل از آن‌ها برخورد کنند. معلمان لازم است با همکاران و سایر نیروهای آموزشی مدرسه به تبادل تجربه بپردازند، بین مدرسه، والدین و جامعه ارتباط نزدیک مبتنی بر اعتماد و احترام پایه‌گذاری کنند، نقاط مثبت و منفی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را به والدین آن‌ها گزارش دهند (راهکار ۴-۴ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر افزایش میزان مشارکت خانواده در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه اشاره می‌کند). همچنین، معلمان لازم است با همکاران و مدیر مدرسه در گرفتن تصمیمات مهم آموزشی و اجرای آن‌ها در سطح مدرسه و ناحیه آموزشی همکاری کنند و در صورت بروز مشکل، راهبردهای مناسب حل مشکل را ارائه دهند.

با عنایت به ساختار تشریح شده برای استانداردهای حرفه‌ای معلمان، دست‌اندرکاران نظام آموزشی در استرالیا معتقدند سعادت جامعه به تلاش و همت معلمان بستگی مستقیم دارد. معلم به‌عنوان مدرس و مربی می‌تواند نقش حساس و کلیدی در این باره داشته باشد تا نیروی انسانی کارآمد و خلاق برای جامعه تربیت کند. هرگاه این کشور بخواهد رفاه اقتصادی داشته باشد، به پیشرفت‌های سریع در فناوری دست یابد و از کاروان ترقی و تمدن و تکامل دنیای موجود عقب نماند، باید به رشد کمی و کیفی معلمان خویش توجه کند.

* منابع

1. The State of Queensland (Department of Education). (2002). "Professional Standards for Teachers: Guidelines for Professional Practice", Brisbane: Queensland Government.
2. Loudon, W. (2000). "Standards for standards: The development of Australian professional standards for teachers", Australian Journal of Education, 44(2), 118-134.
3. Ministerial Council on Education (2003) "a National Framework for Teacher Quality and Educational Leadership", Employment Training, November.



نوسازی تدریس پروژه درس پژوهی در مدرسه ما

ریحانه سادات حسینی بهشتی
معلم دبستان منطقه ۳ تهران

اهداف درس پژوهی

- گسترش فرهنگ یادگیری در مدارس؛
- فراهم کردن محیط یادگیری معلمان از یکدیگر؛
- ارتقای دانش حرفه‌ای معلمان؛
- بازاندیشی در رفتار خود؛
- ارائه مدلی اثربخش برای پژوهش در مدرسه؛
- توسعه دادن محیطی انعطاف‌پذیر برای دستیابی به یادگیری سازمانی؛
- احساس مسئولیت بیشتر در اداره مدرسه؛
- تشویق معلمان به همکاری با محققان؛
- ترویج تفکر انتقادی؛
- به کارگیری راهبردهای اثربخش در ارتقای مدیریت آموزشی^۲ (www.medu.ir).
- درس پژوهی با سایر اشکال رشد حرفه‌ای متفاوت است، چرا که پرورش حرفه‌ای در حین یاددهی-یادگیری (آموزشی) صورت می‌گیرد و تمرکز آن، چنان‌که استیگلر و هیبرت در «شکاف آموزشی» اشاره کرده‌اند، بر تدریس است، نه معلمان و بر فعالیت‌های دانش‌آموزان مبتنی است، نه بر خود دانش‌آموزان. ملاک سنجش در موفقیت درس پژوهی یادگیری معلمان است نه تولید یک درس یا بهبود یادگیری. تهیه درس‌های بهتر و دستیابی به نتایج یادگیری مطلوب توسط دانش‌آموزان، نتیجه جانبی و ثانویه فرایند است، نه هدف اولیه آن (استیگلر، هیبرت، ۱۳۸۴).
- گروه‌های معلمان کار می‌کنند تا درس‌های تدریس شده را مشاهده کنند و درباره آن‌ها بحث کنند و پیشنهادهایی برای اصلاح طرح ارائه دهند.

امسال دومین سال است که به همت همکاران، پروژه درس پژوهی در دبستان دخترانه مفید برگزار می‌شود. جلسات درس پژوهی هفتگی یک‌بار به منظور ایجاد فرصتی برای پرورش و توسعه حرفه‌ای معلمان، غنی‌سازی کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری، گسترش پژوهش در مدرسه و تولید دانش حرفه‌ای در این دبستان برگزار می‌شود. اما درس پژوهی چیست؟ معنای لغوی درس پژوهی^۱ «پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس» است. در شیوه درس پژوهی معلمان می‌کوشند صلاحیت‌های حرفه‌ای خود را در حین کار (عمل) بهبود بخشند و به بازسازی فکری و نوسازی خویش و دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری توجه جدی کنند (سرکار آرانی، ۱۳۷۸).

درس پژوهی نمونه‌ای از پژوهش مشارکتی در کلاس درس و ایده ژاپنی‌ها برای توسعه حرفه‌ای معلمان است. تجربه‌های تحولات آموزشی کشورهای جهان حاکی از آن است که نوآوری‌های آموزشی به‌شدت به کیفیت نیروی انسانی وابسته است. زیرا بهبود یادگیری و تفکر بدون سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی، محقق نمی‌شود. از این رو، بسیاری از جوامع، با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی خود نسبت به سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی اقدام کردند. بدین ترتیب، تربیت معلمان حرفه‌ای، اولویت نظام‌های آموزشی تلقی شد و متولیان امر کوشیدند با بهبود شرایط تربیت حرفه‌ای معلمان، وضعیت آموزشی را بهبود بخشند.



در شیوه درس پژوهی معلمان می‌کوشند صلاحیت‌های حرفه‌ای خود را در حین کار (عمل) بهبود بخشند و به بازسازی فکری و نوسازی خویش و دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری توجه جدی کنند



مراحل کامل اجرای درس پژوهی در دبستان

گام اول: برگزاری کارگاه آموزشی

ابتدا دو کارگاه آموزشی برای مربیان (اصلی و کمکی) تشکیل می‌شود: در کارگاه اول، مهارت‌های تفکر معرفی می‌شود و در کارگاه دوم، مربیان با شیوه‌ها و فنون طراحی فعالیت‌های یادگیری آشنا می‌شوند و دانش و مهارت لازم برای تدوین فعالیت‌ها را کسب می‌کنند.



گام دوم: طراحی فعالیت‌های یادگیری

هر جلسه یکی از معلمان طرح درسی را که می‌خواهد آموزش دهد، به همراه می‌آورد. همکاران شرکت‌کننده در جلسه بازخوردها و پیشنهادهایی برای اصلاح و بهبود طرح ارائه می‌دهند (مهارت‌های تفکر و هوش‌های گاردنر در طرح درس نویسی لحاظ می‌شوند).



گام سوم: اجرای فعالیت

در این مرحله مربیان فعالیت‌های طراحی شده را با مشارکت دانش‌آموزان به اجرا می‌گذارند. از کلیه اقدامات یاددهی - یادگیری فیلم تهیه می‌شود.



گام چهارم: تحلیل فیلم‌ها

فیلم‌های تهیه شده از مرحله قبل، با حضور کلیه مربیان مشاهده می‌شوند و با مشارکت اعضا در بحث گروهی به این سؤالات پاسخ داده می‌شود:

۱. فنون و مهارت‌های به کار گرفته شده در تدریس کدام‌اند؟
۲. کدام مهارت‌های تفکر در جریان تدریس به کار گرفته شده‌اند؟ چگونه این مهارت‌ها استفاده شده‌اند؟
۳. آیا بین موضوع تفکر و مهارت مورد انتظار ربط منطقی وجود دارد؟
۴. کدام نوع از هوش در جریان تدریس به کار گرفته شده است؟ این هوش‌ها چگونه استفاده شده‌اند؟
۵. آیا بین موضوع هوش و مهارت مورد انتظار ربط منطقی وجود دارد؟
۶. چه پیشنهادهایی برای بازسازی و تکمیل فعالیت می‌توان ارائه کرد؟



گام پنجم: بازنویسی طرح درس و مستندسازی

طرح درس بازنویسی می‌شود و همکاران طرح درس‌ها، پیشنهادهای فیلم تدریس و فیلم جلسه را مستند می‌کنند.



چند نکته کلیدی برای مدرسی که مایل‌اند گروه درس پژوهی داشته باشند:

۱. هدف از مطالعه، آگاهی از نحوه تدریس است. به عبارت دیگر، تهیه یک درس نمایشی هدف نیست؛
۲. نظرات، توصیه‌ها و اندیشه‌ها باید بر هدف‌های تنظیم شده توسط گروه (تیم) متمرکز باشد (مثلاً به کارگیری مهارت‌های تفکر در فرایند یاددهی - یادگیری)؛ نه بر برنامه یک معلم خاص یا هر کس دیگر؛
۳. همه اعضای گروه باید در تهیه درس مشارکت داشته باشند و همه نظرات و ایده‌ها باید محترم شمرده شوند.
۴. اگر درس‌های موجود کامل و بی نقص باشند، همه دانش‌آموزان باید موفق شوند. در چنین حالتی، چیزی برای جست‌وجو و اکتشاف باقی نمی‌ماند، اما تدریس کار پیچیده‌ای است. سخن آخر اینکه همان‌طور که ذکر شد، در سال تحصیلی ۹۳-۹۲، پروژه درس پژوهی برای دومین بار در دبستان دخترانه مفید برگزار شد. می‌توان به قطعیت گفت، یکی از بهترین روش‌های یادگیری، روش درس پژوهی است، چرا که مربی با دیدن فیلم تدریس خود از توانمندی‌ها و نقاط ضعف خود شناخت بهتری پیدا می‌کند. همچنین، مشاهده تدریس همکاران دیگر، فضایی برای تبادل تجربه‌ها و ایده‌های بهتر فراهم می‌کند و در فضای مدرسه ادبیات نقد و ارزیابی سازنده شکل می‌گیرد. درس پژوهی کمک می‌کند فرایند تدریس از شکل فردی و تک‌افتاده به شکل گروهی و فراکلاسی نزدیک و فرصتی برای مشورت و هم‌افزایی همکاران ایجاد شود.

* پی‌نوشت

1. Lesson Study
۲. شیوه‌نامه درس پژوهی. وزارت آموزش و پرورش.

* منابع

۱. استیکلر، جیمز؛ هیبرت، جیمز (۱۳۸۴). شکاف آموزشی: بهترین ایده‌ها از معلمان جهان برای بهبود آموزش در کلاس درس. ترجمه محمدرضا سرکارآرانی و علیرضا مقدم. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. سرکارآرانی، محمدرضا (پاییز ۱۳۷۸). پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس: تجربه ژاپن در پرورش حرفه‌ای معلمان در مدرسه. فصل‌نامه تعلیم و تربیت. ۱۱ (۵۹)، ۶۱-۷۶.
3. Eisner, I. (2002). The kind of school we need. Phi Delta Kappan, 83(8), 576-83.

کتاب‌خوانی به صرف نقد

جزئیات بیشتر برای دوستانی که فرصت بیشتری برای خواندن دلائل دانش‌آموزان دارند:

در ادامه این نظرسنجی، از دانش‌آموزان پرسیده شد که چرا این طرح را برای خود مفید دانسته‌اند. پاسخ‌های متنوعی به‌دست آمد که در ادامه خلاصه‌ای از پاسخ‌های غیرتکراری آن‌ها را - پس از ویرایش - می‌خوانیم:

۱ می‌توانم کتابی را که می‌خوانم نقد کنم و نقاط ضعف و قوت آن را بگویم.

۲ یاد گرفتم چطور یک کتاب ۱۶۰ صفحه‌ای را در یک صفحه خلاصه کنم. در واقع خلاصه کردن نکات مهم یک مطلب را یاد گرفتم.

۳ به کتاب خواندن علاقه‌مندتر شدم و از کتاب‌های ادبیات ایران پند گرفتم. حال بیشتر از قبل کتاب می‌خوانم.

۴ داستان‌های جدیدی خواندم و بیشتر یاد گرفتم.

۵ کتاب هزارویک شب را که قبلاً اسمش را زیاد شنیده بودم، خواندم و با آن دقیق آشنا شدم. دوست دارم جلد‌های دیگری از آن را هم بخوانم.

۶ کتاب‌های معروف ایران و جهان را شناختم و هنر سخنرانی در جمع را تمرین کردم و یاد گرفتم.

۷ این طرح مرا از کتاب‌هایی که خودم برنامه‌خواندنتان را داشتم دور کرد و این کتاب‌ها را خواندم.

۸ به تقویت روان‌خوانی من کمک کرد و یک راه جذاب برای پرکردن اوقات فراغتم پیدا کردم.

۹ به خواندن رمان علاقه‌مند شدم و دنبال رمان‌های بیشتری برای تابستان می‌گردم.

برنامه ترم دوم این بود که باید در سر کلاس در عرض ۳ تا ۵ دقیقه، خلاصه همان کتابی را که در ترم اول خوانده بودند برای دوستان خود تعریف می‌کردند. ارائه خلاصه در کلاس هم ۵ نمره مستمر داشت. لازم به ذکر است، برای ۵ نمره دیگر همچنان باید خلاصه و نقد کتاب دیگری را انجام می‌دادند که در نهایت در تاریخ ۲۲ اردیبهشت تمام دانش‌آموزان پایه، نقد و خلاصه کتاب نوبت دوم خود را تحویل دادند و در طول ترم نیز به ارائه خلاصه کتاب ترم اول خود پرداختند.

در انتها، درباره این طرح از دانش‌آموزان نظرسنجی کردیم که شرح آن به این ترتیب است:

نتیجه کلی برای دوستانی که می‌خواهند در جریان کلیات باشند:

امتیاز دانش‌آموزان به این طرح، از مجموع ۳۵۰ امتیاز، به تفکیک کلاس، از این قرار است:

✓ کلاس شهید رجایی: ۲۷۷

✓ کلاس شهید باهنر: ۳۳۱

✓ کلاس شهید مطهری: ۳۰۶

✓ کلاس شهید بهشتی: ۲۷۶

نکته جالب توجه

علاقه دانش‌آموزان به کتاب‌های قدیمی ادبیات فارسی بیشتر و به شرح زیر قابل ملاحظه است:

در پاسخ به سؤال فهرست کتاب‌های قدیم را بیشتر دوست داشتید یا کتاب‌های جدید را؟

کتاب‌های قدیم: ۵۸٪
کتاب‌های جدید: ۴۲٪

امسال برای اولین بار تجربه جدیدی از کتاب‌خوانی را در پایه هفتم داشتیم. کلیت این طرح به این ترتیب بود که در ابتدای سال تحصیلی، دو فهرست کتاب در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. یک فهرست شامل متون قدیمی ادبیات فارسی که برای نوجوانان بازنویسی شده بود و فهرست دیگری شامل کتاب‌های جدید که اغلب آن‌ها را کتاب‌های ترجمه تشکیل می‌داد. لازم به ذکر است، این فهرست‌ها براساس فهرست کتاب‌های لاک‌پشت پرند و با بررسی جمع‌آوری شده بود. لاک‌پشت پرند فهرستی از کتاب‌های ادبیات کودک و نوجوان است که با همکاری مشترک مؤسسه «شهر کتاب» و «فصل‌نامه تخصصی پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان» تهیه می‌شود. گروهی از منتقدان و کارشناسان کودک و نوجوان در پایان هر فصل، فهرستی از کتاب‌های کودک و نوجوان منتشر شده را در یک فهرست معرفی می‌کنند.

هر دانش‌آموز باید برای هر ترم یک کتاب از هر فهرست انتخاب می‌کرد تا در واقع تا پایان سال تحصیلی دو کتاب (یکی از فهرست جدید و یکی از فهرست قدیم) بخواند. ارائه خلاصه و نقد کتاب خوانده شده، ۵ نمره مستمر را تشکیل می‌داد. در جلسه ملاقات عمومی با اولیا در ابتدای سال نیز این طرح به اطلاع اولیا رسید تا در جریان روند مطالعه کتاب فرزندان خود باشند.

در پایان آذرماه، خلاصه و نقد کتاب‌های ترم اول دانش‌آموزان جمع‌آوری شد. از میان ۱۴۲ نفر، فقط دو نفر کتابی نخوانده بودند و در نتیجه ۵ نمره مستمرشان را هم نگرفتند.

گزارشی از طرح «نقد و خلاصه» دو کتاب» در ادبیات پایه هفتم

علیرضا شیخ الاسلامی
معلم پایه هفتم منطقه ۲ تهران

۳۲ امسال به جای اینکه به زور را بنام را خاموش کنند، به زور چراغ اتاقم را خاموش می کردند تا زودتر بخوابم و دیگر کتاب نخوانم!

۳۳ من تا کلاس پنجم زیاد کتاب می خواندم، اما در دو سال گذشته کتاب خواندن را رها کرده بودم. با خواندن این دو کتاب دوباره به کتابخوانی روی آوردم. ۳۴ باعث شد به اجبار کتابهای محدودی از دو فهرست را که به آنها علاقه نداشتم انتخاب کنم و بخوانم. نتوانستم کتابهایی را که خودم دوست داشتم و در این فهرستها نبود مطالعه کنم و این اصلاً خوب نبود.

در نظرسنجی، موارد دیگری نظیر پیشنهادهایی برای ادامه این طرح در سال آینده نیز پرسش شده بود که پاسخهای دانش آموزان به همراه سایر موارد موجود است. در صورت تمایل تقدیم دوستان خواهد شد.

a.sheikhaleslami@mecp.ir

این طرح برای خود من نتایج و تجربیات ارزشمندی در زمینه راههای کتابخوان کردن نسل جدید و مزایای فراوان آن به همراه داشت که در صورت اقتضای فرصت، تقدیم حضور شریف دوستان خواهم کرد.

نزدیک تر کرد. هنگام ارائه خلاصه داستان در کلاس، حافظه ما هم تقویت شد.

۲۲ با خواندن کتابهای جدید دایره لغاتم گسترده تر شد.

۲۳ هیچ فایده خاصی نداشت، لطفاً دیگر این کار را نکنید، چون کتاب خواندن زورکی فایدهای ندارد.

۲۴ اولین کتابی که در عمرم تا آخر خواندم و تمام کردم، کتاب **خسرو و شیرین** بود.

۲۵ من تا به حال فکر می کردم کتابهایی مثل **مثنوی و هزارویک شب** کتابهایی سنگین و سخت هستند که به درد سن ما نمی خورند، اما حالا فهمیدم ادبیات قدیمی ایران کتابهای خوبی، حتی برای سن ما، دارد.

۲۶ در طی سال تحصیلی و با وجود درس، دو کتاب غیردرسی خواندم. تجربه جدیدی بود و امیدوارم در طول سال بعد هم، با اینکه دیگر مجبور نیستم، بتوانم حداقل یک کتاب را بخوانم.

۲۷ با خواندن کتاب **شمشیر نقره ای** از اتفاقات تلخ جنگ جهانی دوم در قالب یک داستان باخبر شدم.

۲۸ با خواندن کتابهای ترجمه، فرهنگ و طرز فکر مردم دیگر دنیا را شناختم. از این موضوع خوشحالم.

۲۹ من امسال به اجبار با کتاب سرگرم شدم و این اجبار خوبی بود.

۳۰ بعد از خواندن کتاب **ماه بر فراز مانیفست** تشنه خواندن کتاب دیگری از این نویسنده شدم. کاش می توانستید کتابهای دیگر او را به من معرفی کنید.

۳۱ روان خوانی تندخوانی ام را بهتر کرد. الان سرعت مطالعه درس هایم هم بیشتر شده است.

۱۰ دیگر از خواندن کتابهای داستانی بلند بدم نمی آید. می دانم می توانم آن کتابها را هم تا آخر بخوانم، بدون آنکه خسته شوم.

۱۱ من تا قبل از این فقط **شاهنامه** را دوست داشتم، اما حالا فهمیدم کتابهای خوب دیگری هم وجود دارند.

۱۲ باعث شد من به خاطر رفع تکلیف هم شده است کتاب بخوانم، چون تا قبل از آن کتابهای زیادی نخوانده بودم.

۱۳ در طول سال تحصیلی هیچ وقتی برای مطالعه غیردرسی نمی گذاشتم، اما امسال چون کتاب خواندن در طول ترم بود، وقت زیادی از من نگرفت.

۱۴ از شما متشکرم که مجبورم کردید بالاخره دو کتاب را - آن هم در عرض یک سال - تا آخر بخوانم.

۱۵ سطح املائی من بالاتر رفت، چون کلمات تازه ای دیدم و حالا برای نوشتن ایده های خلاقانه ای دارم.

۱۶ من هیچ شناخت و علاقه ای نسبت به کتابهای داستانی نداشتم، اما حالا طوری شده است که می خواهم در وقت آزاد کتاب داستان بخوانم.

۱۷ فهرست متنوعی از کتابها دیدم که برای خواندن بقیه کتابهای آن فهرست هم علاقه مند هستم.

۱۸ من اصلاً کتاب نمی خواندم، ولی این بار به زور نمره خواندن کتاب را امتحان کردم و خوشم آمد.

۱۹ می خواهم اوقات فراغتم را با کتاب خواندن بگذرانم؛ حتی به جای تماشای تلویزیون.

۲۰ انشاهایم قوی تر شده است و ایده های جدیدتری برای نوشتن پیدا کرده ام.

۲۱ این طرح ما را به خواندن کتاب

بازی و علوم

علیرضارزاقی

معلم علوم پایه هفتم منطقه ۱۵ تهران

عکاس: مریم فرحی

وقتی وارد کلاس شدم بچه‌ها با «بریا» گفتن نماینده کلاس ایستادند. به آن‌ها اجازه نشستن دادم. مثل همیشه حس کردم بچه‌ها منتظر یک مهارت برای شروع درس جدید هستند.

اعلام کردم با رعایت نظم به نمازخانه بروند. در نمازخانه آن‌ها را در سه صف مرتب کردم؛ صف اول با تعداد دانش‌آموز بیشتر و فاصله کمتر بین آن‌ها. صف دوم تعداد کمتر و فاصله بیشتر بین بچه‌ها. بچه‌های صف سوم کمترین تعداد و بیشترین فاصله را داشتند. به نفر اول هر صف یک توپ کوچک دادم و به همه گفتم: «با صدای سوت من باید توپ را دست به دست منتقل کنید.» سپس گفتم در صف‌هایی که بچه‌ها از هم فاصله بیشتری دارند، باید با قدم‌های کوتاه و راه رفتن آرام، توپ را به نفر بعدی برسانند. در نهایت، مسابقه بدین صورت است که ببینیم در کدام صف توپ زودتر به نفر آخر می‌رسد.

بعد از اجرای مسابقه و تعیین گروه برنده، همگی به کلاس برگشتیم. از بچه‌ها پرسیدم: به نظر شما هر صف به کدام حالت از سه حالت ماده شبیه بود؟ همگی با توجه به اینکه کارهای نمایشی حالت‌های جامد، مایع و گاز را انجام داده بودند، صف اول را که دانش‌آموزان بیشتری داشت «حالت جامد»، صف دوم را «حالت مایع» و صف سوم را که بچه‌ها در آن بیشترین فاصله و کمترین تعداد را داشتند، «حالت گاز» دانستند.

برایشان توضیح دادم که انتقال گرما در رسانایی ذره به ذره است. با توجه به این مسابقه، به نظر شما رسانایی در کدام حالت ماده سریع‌تر است؟ همه بچه‌ها با صدای بلند پاسخ دادند: جامد!

و من روی تخته نوشتم:
رسانایی: جامد < مایع < گاز
با صدای زنگ بچه‌ها شادمان کلاس را ترک کردند.



رمز	از مشکلات پشه‌های بیش فعال فراموش شده‌ترین مهارت زندگی	فالقیر	درخت تو گر بار ... بگیرد	مقدار درخت تو گر مقابیل اینک	قهرمان فوتبال ایتالیا	رنگ شهادت	قرض بانکی	مناسبت جانگداز ۳۰ آذر (۲۸ صفر)
۱	دوره تحصیلات، فوق‌دیپلم	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	به جسم معنا می‌بخشد	۲	بالاترین و مادر همه قانون‌هاست
۲						آفریدگار عالم		
۳		۱						
۴	بایستخت نهال	۲۹			۳	جایگزین ارزشیابی سنتی	۹	از انجیل‌ها
۵	متخصص پسیکاتر	۳۵					۹	قلم انگلیسی
۶	متکا			جامعه بشری از				ناشنا
۷	نیروی زندگی			فریاد مصر در کلاس				
۸			محله و برزن	۲۸		بعد از P سال آذری	۵	
۹	مبارزه	۲۶		وزرا	۲۴			
۱۰	ورزش رزمی			رنود				
۱۱			سوآلی				۳۲	ضمیر اجتماعی
۱۲			در مدرسه می‌زنند					کافی
۱۳		۱۲		۳۰	پهلوان	۴	۴	آزاده کر بلا
۱۴	رسمی انسانی در زورخانه‌ها	مهم‌ترین نهاد تربیتی نوجوانان	حرف سر سفره‌ها	درجه حرارت درختی جنگلی	چوبدستی قلندران	غار رسالت		کارتن باز نشده
۱۵			سنگین و پر بار		۷			از درمان‌های بیش فعالی
۱۶	بخشدگی		ارزشیابی توصیفی یعنی...					
۱۷	نراکت		عتیقه					۸
۱۸			آزاد					ویژه‌تر
۱۹	از دروس ادبیات	۲۰		۱۰	پراکندگی رود	حرف تأسف		تماس یافته
۲۰	شهری در خوزستان			کشتی جنگی		دوره کردن قرآن		
۲۱				از نام‌های قرآن مجید	۱۹	مشت تو خالی	۲۳	
۲۲					۳۴	شمشیر برنده مدرسه‌ای		
۲۳	فابریک	۱۱		۳۱				
۲۴	دشمن فرشته		بیزاری بحر			علامت معقولی نه گذشته نه آینده	۱۴	
۲۵					محصول صابون	گمان		
۲۶			نوعی بالاپوش صحابه ابرائی	۲۲	مالامال	انتبار		
۲۷	سوره بیستم							یک پدیده شگفت‌انگیز خلقت
۲۸	شغل آبپاست			مقاوم و استوار		۲۷		
۲۹			پذیرفته نشده رنج			مهر و موم پاسخ مسئله	۱۵	
۳۰	به جهان باقی شتافته‌اند	۱۸		نبود و ناپدید				زاتوترسان حالت‌دهنده مو
۳۱				بچه می‌کشد				۲۵
۳۲						شهری در سوئیس		
۳۳			برادر امام علی (ع)	۱۶				
۳۴	ارث‌برندگان		نسبتاً خوب، نه چندان بد			سخن استوار و رسا	۱۷	
۳۵	مرتجع فلزی							

خنده تاریخی در موزه کانون

شیوا پروین
عکاس: داود زرین گام

چند نفر همراه راه‌بلدی قرار است به دریای تاریخ بزنند؛ به داستانی ناشناخته. شاید دست تاریخ دوباره دیدارهایشان را تازه کند.

دیگر کودکان، با حجمی از سؤال، راهی سفری دیگر می‌شوند. گام‌های کودکان، به سرعت امروز، دیروزها را می‌دود. هزارتوی زمان و تاریخ، از ابتدای بشر، همان عرصه بکر ابزار و تفکر و تلاش برای کشف و اختراع. ورود هرچه تازه‌گی به زندگی. ناگهان، پس از آتش، هنگامه پیدایش برق،

کودکان کوبه‌های در چوبی را بی‌وقفه و پرنشاط می‌کوبند. در پس این دق‌الباب تجربه‌ای تاریخی است. دویدن‌ها آغاز می‌شود، همپای فریادهای خوراکی‌های ترش و شیرینشان خلوت کوله‌پشتی‌ها را جای می‌گیرند. دست به دست هم زنجیره دوستی‌شان را چون بازی‌ها می‌بندند.

کسی به میانشان می‌آید. حال باید دست‌های دوستی‌شان را رها کنند تا سرنوشت و بازی روزگار را بچشند.



مکتب‌خانه موزه تاریخ کانون

موزه تاریخ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

نشانی: تهران - میدان شهدا - ابتدای خیابان پیروزی -

پشت اداره برق - خیابان افروز - شماره ۷

شماره‌های تماس: ۳۳۳۴۷۳۶۶ - ۳۳۳۱۹۸۹۸ - ۰۲۱-

پیام‌نگار: moozhtarikh@kanoonparvaresh.com



صحنه‌ای از اجرای نمایش در مکتب‌خانه موزه تاریخ کانون



صحنه‌ای از
نمایش بوعلی سینا
در مکتب‌خانه
موزه تاریخ کانون



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و نه شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

• رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی

• رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فن و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

• تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

زکریای رازی، فردوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، امیرکبیر و بوعلی سینا.
در گوشه‌ای آرام، از میان تاریکی، به روشنائی دل و دیده‌شان خیره می‌شوی.

در پس ذهن سؤالی تفکر را روشن می‌کند: نام کدامشان را پس از گذر زمان، تاریخ به ثبت، افتخار خواهد کرد؟

تولد سکه و اقتصاد.
مسیر صنعت و تکنولوژی میخکوب شده بر دیوارها را با شتاب و شادی طی می‌کنند تا به قدمگاه رصد آسمان می‌رسند.

دعوت به نشست می‌شوند، در مکتب‌خانه، چهره‌های ردشده از تاریخ را آشنا می‌یابند؛ چهره‌هایی که تا دیروز شانه به شانه هم پشت میزهای مدرسه، درس و بازی را شریک بودند، اینک مزین‌اند به لباس و نام نامداران؛ آرش کمانگیر،



راهروی تاریخ موزه تاریخ کانون



خط کشی به نام تیمز

غلامرضا لشکر بلوکی

معاون دفتر دوره اول متوسطه



شرکت در مطالعه تیمز این حسن را دارد که وضعیت عملکرد جهانی دانش آموزان ایرانی در درس های ریاضیات و علوم مشخص می شود. به عبارت دیگر، مشخص می شود که در مقایسه با سایر کشورهای شرکت کننده در این مطالعه، ما در چه جایگاه و رتبه ای قرار داریم. مهم تر از آن، با شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام آموزشی می توان راهکارهای مناسب عملی و علمی برای تقویت نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف ارائه کرد.

عواملی نظیر معلم، دانش آموز، میزان توسعه یافتگی کشور، مدرسه، خانواده، ساختار نظام آموزشی و بافت فرهنگی و اجتماعی در عملکرد دانش آموزان نقش بسزایی ایفا می کنند.

معلم

وقتی از نقش معلم صحبت می شود، منظور کیفیت محتوای آموزشی که ارائه می کند، کیفیت آموزش و شیوه های تدریس (میزان تسلط به روش های آموزش و روش های نوین یاددهی - یادگیری)، کیفیت مشارکت و مداخله فعالانه و مشتاقانه او در فرایند آموزش، کیفیت تجربه و سال های تدریس او، انگیزه و رضایت شغلی وی، کیفیت تعامل و ارتباط او با دانش آموزان و خانواده آنان، میزان شناخت وی از دانش آموزان و ویژگی ها و سبک یادگیری اوست. برای مثال، معلمانی که برای شغل معلمی ساخته نشده اند و از ابتدا با انگیزه و رغبت درونی به این شغل روی نیآورده اند، ممکن است بر عملکرد دانش آموزان تأثیر منفی بگذارند و برعکس، معلمان با انگیزه، مشتاق، پر شور و دارای هنر معلمی، می توانند بر رشد عملکرد دانش آموزان تأثیر مثبت بر جای بگذارند.

دانش آموز

بدون تردید تعدادی از عوامل اثرگذار بر عملکرد، به خود دانش آموز مربوط می شود. عواملی نظیر نگرش دانش آموز به موضوع درس (که اگر مثبت یا منفی باشد، به همان نسبت می تواند باعث بهبود یا کاهش عملکرد دانش آموز شود)، تمایل، انگیزه و پشتکار دانش آموز برای یادگیری و شرکت در انجام فعالیت های گروهی، انجام تکالیف، داشتن یا نداشتن اعتماد به نفس، سواد خواندن، درک کردن و نوشتن می تواند در عملکرد او نقش پررنگی داشته باشد. همه شنیده ایم که پنجاه درصد راه حل هر مسئله فهم صورت آن است. این موضوع برمی گردد به سواد خواندن و توانایی درک مطلب و صورت مسئله. به همه این ها باید سلامت جسمی، عاطفی و روان شناختی را نیز اضافه کرد.

اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

برگ اشتراک مجله های رشد

نحوه اشتراک:

شما می توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

نام مجلات درخواستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

امضا:

● نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

● وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

● اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

● هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال
● هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال